

تیغِ دولبه تهدیداتِ کوچکِ داعش



نباید فراموش کرد که نه با سرکوب هراس افکنان، مردم افغانستان به صلح و ثبات دایمی می‌رسند و نه هم با آشتی با آنها. این دو جریان هرچند دو شرط لازمی برای دست یافتن به ثبات دایمی است، اما شروط کافی نیستند. شاید اگر ضلع سومی به دو محور قبلی بیفزاییم و مبارزه فرهنگی با افراطگرایی را در سراسر کشور تقویت کنیم، نتایج بهتری در راستای مبارزه با هراس افکنی حاصل کنیم. شکی نیست که برای مبارزه با علف‌های هرز بنیادگرایی و کاشتن بذر صلح در جامعه، باید اول زمین کشت را آماده کرد

شکوه

جنرال مشرف از آشی که برای ما پخته بود، می‌گویند

عاجل به آمر صاحب شهید زنگ زدم و از کودتای نظامیان در پاکستان خبر دادم و گفتم، کسی به نام «جنرال مُش رف» *Mushrif* قدرت را در دست گرفته است. گفت: کی؟ گفتم: جنرال پرویز مُش رف. آمر صاحب گفت: «مُش رف نیست، اسمش مشرف است و از دشمن‌ترین دشمنان افغانستان در میان افسران کلان پاکستان می‌باشد»

شکوه



اعضای کمیسیون اصلاحات انتخاباتی به زودی مشخص می‌شود

هارون مجیدی

مسوولان حکومتی از امکان تشکیل «کمیسیون اصلاحات انتخاباتی» در روز چهارشنبه با دستور مستقیم رییس‌جمهور غنی خبر می‌دهند.

کمیسیون اصلاحات انتخاباتی قرار است برنامه‌ی را برای چگونگی اصلاح نظام انتخاباتی آماده کند.

دفتر معاون دوم رییس‌جمهور اعلام کرد: این امکان وجود دارد که اشرف غنی رییس‌جمهور با صدور دستوری در روز چهارشنبه کمیسیون اصلاحات انتخاباتی را تشکیل دهد.

قرار است در این کمیسیون، نماینده‌گانی از ارگ ریاست‌جمهوری، ریاست اجرایی و گروه‌های جامعه مدنی افغانستان حضور داشته باشند.

سرور جوادی مشاور روابط عمومی و اجتماعی معاون دوم رییس‌جمهور گفت: کمیسیون اصلاحات انتخاباتی موقتی است به این معنا که پس از اعمال تغییرات در نظام



انتخاباتی کشور منحل می‌شود.

اعضای کمیته بررسی اصلاحات انتخاباتی اعلام کردند: افرادی برای کمیسیون اصلاحات انتخاباتی انتخاب می‌شوند که بی‌طرف، کارشناس و کاردان باشند.

محمد عاصم یکی از اعضای این کمیته، گفت: اعضای این کمیته به دنبال کسانی هستند که علاوه بر بی‌طرف بودن، افرادی باشند که در زمینه انتخاباتی باتجربه باشند.

قرار بود این کمیسیون هرچه زودتر تشکیل شود و کارش را در زمینه اصلاحات در نظام انتخاباتی آغاز کند. اما

مشاور ریاست اجرایی وضعیت عمومی کشور، معضلات پیچیده، معرفی نامزد وزراء، تشکیل کابینه و سفرهایی را که رهبران دولت به خارج از کشور داشتند، از دلایل تأخیر در ایجاد کمیسیون اصلاحات انتخاباتی عنوان می‌کنند.

مشاور ریاست اجرایی هم‌چنان می‌گوید، هیچ مانعی برای ایجاد کمیسیون وجود ندارد و تصمیم نهایی گرفته شده است و آنان منتظر تصمیم رییس‌جمهور هستند.

او می‌گوید که ریاست اجرایی یک ماه پیش لیست اعضای خود برای این کمیسیون را به ریاست جمهوری فرستاده است.

سید حسین فاضل سانچارکی مشاور ریاست اجرایی در گفت‌وگو با روزنامه ماندگار گفت: در متن توافق‌نامه سیاسی ایجاد کمیسیون برای اصلاح نظام انتخاباتی به صراحت ذکر شده و هر دو رهبر برای ایجاد این کمیسیون تعهد کرده‌اند و گفت‌وگوهایی هم که پیرامون تشکیل این کمیسیون وجود داشت...

ادامه صفحه ۷

چراغ سبز طالبان به مذاکرات صلح



پاکستان به طالبان توصیه کرده‌اند تا به مذاکره مستقیم و رو در رو با دولت کابل بنشینند تا راه حلی برای مسایل و مشکلاتی فی‌ما بین و رسیدن به صلح پیدا کنند.

یکی دیگر از اعضای ارشد طالبان گفته است برخی مقامات طالبان که با دفتر این گروه در قطر در ارتباط هستند، قرار است برای بررسی راههای انجام مذاکرات صلح با دولت کابل و از سرگیری فعالیت دفتر طالبان در قطر، به زودی به پاکستان سفر کنند.

دفتر طالبان در دوحه در سال ۲۰۱۳ و تنها چند روز بعد از افتتاح، به دلیل اعتراض... ادامه صفحه ۶

رییس اجرایی به مردم: کسی قصد معامله با حقوق شما را ندارد



عبدالله عبدالله، رییس اجرایی حکومت وحدت ملی روز دوشنبه در نشست شورای وزیران گفت که مذاکرات صلح در روزهای نزدیک آغاز می‌گردد.

او به مردم افغانستان اطمینان داد که این مذاکرات با در نظر گرفتن منافع ملی افغانستان به پیش برده می‌شود.

داکتر عبدالله گفت که مردم افغانستان را در جریان مذاکرات صلح و بحث‌هایی که صورت می‌گیرد.

او ابراز امیدواری نمود که آغاز... ادامه صفحه ۷

در برگ‌ها



چند عامل خوش‌بینی در سیاست‌های پاکستان

اندیشه‌های سیاسی در میان مسلمانان



انسان گمشده در امواج تکنولوژیک زمان



سوم حوت آغاز یک حرکت بزرگ در برابر یک تجاوز بزرگ و بیرحمانه بود



احمد عمران



چند عامل خوش بینی در سیاست‌های پاکستان

به انتقاد از سیاست‌های اسلام آباد در پناه دادن به گروه‌های خشونت‌طلب و افراطی کردند. امریکا که از عمده‌ترین حامیان بین‌المللی پاکستان به شمار می‌رود، ادامه کمک‌های خود به این کشور را منوط به مبارزه صادقانه با تروریسم کرد. اسلام‌آباد با توجه به این فشارها نمی‌توانست همچنان گروه‌های افراطی را به عنوان حربه‌های فشار و هژمونی منطقه‌یی در اختیار نگه دارد.

۳- مشکلات داخلی: موجودیت گروه‌های افراطی و تروریست در داخل پاکستان به این کشور نیز آسیب‌های جدی وارد کرد. این گروه‌ها که پیش از این، چتر حمایت پاکستان را کافی می‌دانستند که دست به اقدام علیه آن نزنند، در ماه‌های اخیر آغاز به تهدید ایجاد دولت در خاک پاکستان کردند. حمله مسلحانه به مکتبی در پشاور پاکستان که تحت حمایت ارتش پاکستان قرار داشت، بزنگاه یک رویاروی و اعلام جنگ علیه حامیان پیشین می‌توانست تعبیر شود. در این حمله، بیش از ۱۵۰ تن به شمول کودکان کشته شدند. مسوولیت این حمله را که گروه طالبان پاکستانی به عهده گرفت، به‌نحوی بر محاسبات ارتش پاکستان خط بطلان کشید.

۴- حضور داعش در منطقه: داعش از هرجا که آمده باشد، برای پاکستان می‌تواند گروه بیگانه تلقی شود. پاکستانی‌ها مثل بسیاری‌های دیگر در جهان اسلام مبهوت و متحر از وضعیتی‌اند که به‌وسیله گروه داعش یا دولت اسلامی جدید به رهبری البغدادی شکل گرفته است. پاکستانی‌ها این خطر را حس کرده‌اند که به‌زودی با گروه تازه‌یی مجبور اند رویارو شوند که رابطه استراتژیک با منافع پاکستان ندارد. پیشروی‌های حیرت‌آور داعش، زنگ خطر را برای اسلام‌آباد به صدا در آورده است و این کشور می‌تواند از این ناحیه نگران باشد. دلیل نگرانی پاکستانی‌ها نیز مشخص است. پاکستان فضا و بستر مناسب رشد افراط‌گرایی را در اختیار دارد و در این زمینه می‌تواند برای دولت اسلامی به عنوان «پناهگاه امن» به شمار رود.

در نتیجه گفته می‌توانیم که انگیزه‌های لازم برای ایجاد همکاری میان دو کشور فراهم شده، اما آن چیزی که می‌تواند همچنان به عنوان نگرانی مطرح باشد، این است که: واقعاً پاکستانی‌ها چه‌قدر حساسیت مسایل را درک کرده‌اند و آرزو دارند برای حل مشکلاتی که دامن‌گیر منطقه شده، به‌صورت صادقانه همکاری کنند!

از سرگرفتند؛ روابطی که در گذشته به دلیل سوءمدیریت رهبران دولت به شدت آسیب‌پذیر و در حال وخامت بود. حداقل پاکستانی‌ها آن‌گونه که در گفته‌های پرویز مشرف مشخص شد، به حامد کرزی اعتماد نداشتند و فکر می‌کردند که او عامل سیاست هند در افغانستان است. در مسأله مرزی با پاکستان نیز دولت پیشین دچار اشتباهات استراتژیک شد و نتوانست حساسیت مسأله را به‌خوبی دریابد. زمام‌داران افغانستان در زمان آقای کرزی می‌خواستند با همان سیاستی با پاکستان وارد تعامل شوند که چهار دهه قبل سردار محمد داوود خان آن را اساس گذاشته بود و بعداً به‌وسیله دکتر نجیب‌الله ادامه پیدا کرد. در حالی که شرایط منطقه در این چهار دهه به گونه حیرت‌انگیزی دگرگون شده و پاکستان به



امکانات و ظرفیت‌های کم‌مانندی دست یافته است.

۲- فشار بین‌المللی: فشارهای جامعه جهانی نیز در ماه‌های پسین بر پاکستان به گونه فزاینده‌یی افزایش یافته است. انتشار گزارش وزارت دفاع امریکا، به‌صورت روشن پاکستان را حامی تروریسم عنوان کرد. در همین حال، بسیاری از کشورهای غربی که پیش از آن نمی‌خواستند در مورد حضور گروه‌های افراطی و خشونت‌طلب در پاکستان چیزی بگویند، آغاز

نثارعلی خان وزیر داخله پاکستان گفته است که همکاری این کشور با افغانستان در مبارزه با تروریسم «معجزه» خواهد کرد. اما آقای خان توضیح نداده که این معجزه چه‌گونه رخ خواهد داد، مبارزه با تروریسم چه‌گونه خواهد بود و نقش پاکستان در این مبارزه چیست؟

حوادث روزهای اخیر می‌رسانند که پاکستانی‌ها تعریف دیگری از مبارزه دارند و به نظر آن‌ها، مبارزه چیزی نیست که در حال حاضر در فرهنگ‌های لغت معنا می‌شود؛ بلکه رفتن هیأتی از طالبان به اسلام‌آباد پایتخت پاکستان که قطعاً به مذاکرات صلح ربط دارد، بخشی از این مبارزه تلقی می‌شود.

پاکستانی‌ها در روزهای اخیر به گونه شک‌برانگیزی در مسایل صلح و کشاندن طالبان به پای میز مذاکره با دولت افغانستان فعال شده‌اند. ریاست هیأتی را که به اسلام‌آباد رفته، قاری دین محمد به عهده دارد. بر اساس اطلاعات رسانه‌ها، این شخص پیش از این به چین نیز سفر داشته است. گفته می‌شود که به‌زودی یک مقام ارشد طالبان از قطر نیز به این هیأت می‌پیوندد. جزئیات مذاکراتی که قرار است در اسلام‌آباد انجام شود، تا هنوز در اختیار رسانه‌ها قرار نگرفته و مشخص نیست که صلاحیت هیأت اعزامی طالبان به اسلام‌آباد تا چه حد است. اما یک نکته به‌صورت واضح از این‌همه تلاش‌ها مشخص است و آن این‌که پاکستانی‌ها در ماه‌های اخیر نسبت به مسایلی حساس شده‌اند و چیزهایی در این کشور در حال دگرگونی است. با بررسی مسایل و اتفاقاتی که ظرف ماه‌های اخیر رخ داده، می‌توان به چند عنصر کلیدی در این خصوص اشاره کرد.

۱- تغییر در افغانستان: ایجاد دولت وحدت ملی در افغانستان، زمینه مناسب از سرگیری روابط را برای پاکستان فراهم کرد. پاکستانی‌ها با توجه به تیره‌گی روابط خود با افغانستان در دوران زمام‌داری حامد کرزی رییس جمهوری پیشین، در نوع رفتار و ادبیات خود با رهبران جدید بازنگری‌هایی را انجام دادند. البته از سرگیری روابط حسنه با پاکستان تنها از سوی پاکستانی‌ها صورت نگرفت، بل دولت‌مردان افغانستان نیز تمایل داشتند که مناسبات میان دو کشور را وارد فاز تازه‌یی سازند. به همین دلیل رهبران دولت وحدت ملی در تلاش شکل دادن به گفت‌وگو جدید سیاسی، روابط خود با همسایه‌گان را به نوعی

سخن‌ماندگار

ریاست جمهوری و نخود سیاه

آن‌گونه که گزارش‌ها مشعر اند، قرار است در هفته آینده رییس جمهوری فرمانی را صادر کند که بر بنیاد آن کمیسیون برای ایجاد اصلاحات در کمیسیون انتخابات ایجاد می‌شود. البته بحث ایجاد اصلاحات، در کمیسیون‌های انتخاباتی اخیراً از توجه سیاسیون و مقام‌ها افتاده و جای آن را، بیشتر صحبت‌ها روی گفت‌وگو با طالبان و رفت‌وآمد مقام‌های پاکستانی احتوا کرده است. بنابراین ارگ دوست دارد که تحولات گرم‌تر و دم‌دست‌تر سبب شود که کار روی کمیسیون‌های انتخاباتی به موضوعی دست‌چندم بدل شود. همین‌گونه است که به‌تازگی محمد اشرف‌غنی، «اجماع سیاسی» در مورد اصلاحات انتخاباتی را مطرح کرده است. مطرح کردن اجماع سیاسی درباره انتخابات، یعنی غنیمت دانستن همین کمیسیون‌های موجود انتخاباتی که بدون شک مورد هدف ریاست جمهوری است. اما پیشتر از این‌ها ریاست اجرایی تأکید کرده بود که به هر صورت ممکن، اصلاحات بنیادی را در کمیسیون‌های انتخاباتی راه می‌اندازد و اصلاح این نهادها، از صلاحیت‌های ریاست اجرایی است. ولی حالا به نظر می‌رسد که ریاست‌جمهوری با به تعویق انداختن این اصلاحات و پیش کشیدن بحث اجماع سیاسی بر سر این مسأله، می‌خواهد که قصه اصلاحات را از میان بردارد. با توجه به بازی‌یی که ریاست‌جمهوری به‌راه انداخته، بعید نیست که بتواند ذهنیت‌های سیاسیون را در قسمت اصلاح کمیسیون‌های انتخاباتی به تعویق بیندازد که در این صورت، ریشه دموکراسی در کشور زده خواهد شد و مردم از این‌پس به انتخابات و رای‌دهی روی نخواهند آورد. پیش کشیدن بحث توزیع شناس‌نامه‌های برقی و تأثیر آن بر شفافیت نهادهای انتخاباتی در سال‌های آینده، منطق خوبی نیست؛ زیرا هنوز معلوم نیست که کار توزیع شناس‌نامه‌های الکترونیکی چه‌وقت خواهد بود و این پروسه کی به اكمال می‌رسد. زیرا با توجه به برنامه‌یی که برای توزیع شناس‌نامه‌های الکترونیکی پیش‌بینی شده، حدس زده می‌شود که این کار از آغاز تا پایان، ده سال زمان می‌برد و این‌گونه ریاست جمهوری، مردم را پشت نخود سیاه می‌فرستد.

اما در برابر، اکنون که نزدیک به چهار ماه به برگزاری انتخابات پارلمانی مانده است، نهادهایی که اصلاح نهادهای انتخاباتی را وظیفه خویش می‌دانند، در این زمینه خاموشی اختیار کرده‌اند. حال آن‌که اصلاحات در نظام انتخاباتی، از مفاد توافق‌نامه سیاسی میان رهبران دولت وحدت ملی است. رهبران دولت وحدت ملی، از نخستین روزهای کاری خود اعلام کردند که نظام انتخاباتی افغانستان را اصلاح خواهند کرد؛ اما حالا بسیار شگفت‌آور است که پس از گذشت چهار ماه، رییس جمهوری افغانستان در پی به‌دست آوردن اجماع سیاسی در این مورد است. پرسش این‌جاست که منظور از اجماع سیاسی در مورد اصلاح نظام انتخاباتی کشور چیست و چرا ریاست اجراییه در این زمینه به گونه جدی سخن نمی‌گوید. اگرچه سخنگویان ریاست اجراییه بارها بر اصلاحات جدی در کمیسیون‌های انتخاباتی تأکید کرده‌اند اما تا کنون در مورد طرح اجماع سیاسی ریاست‌جمهوری چیزی نگفته‌اند.

مردم انتظار دارند که ریاست اجراییه در قسمت اصلاح نهادهای انتخاباتی، اقدامات جدی داشته باشد و موقفش را در برابر «اجماع سیاسی» مشخص کند. البته حالا همه احزاب، سازمان‌های سیاسی و نهادهای ناظر بر روند انتخابات، یک‌صدا مشکل انتخابات را در مدیریت ناسالم و مشکلات موجود در سازوکارهای انتخاباتی در کشور اعلام کرده‌اند و به‌شدت نیاز به اصلاحات بنیادی را مطرح می‌کنند، اما ریاست‌جمهوری این صداها را ناشنیده گرفته و اجماع را پیش می‌کشد. بنابراین یک بار دیگر نهادهای ناظر بر انتخابات، نهادهای مدنی شامل رسانه‌ها و نیز آگاهان و خبره‌گان جامعه و در مجموع مردم افغانستان باید یک‌صدا اعلام کنند که بدون اصلاحات بنیادین در کمیسیون‌ها نباید هیچ انتخاباتی برگزار شود.

شکی نیست که اوج‌گیری این صداها سرانجام کاخ ریاست جمهوری را می‌لرزاند و مسوولان کمیسیون‌های انتخاباتی را اگر اندکی وجدان هم داشته باشند، به استعفا وا می‌دارد.

آسوشیتدپرس

دیدگاه اوباما درباره نقش امریکا

در جهان عرب با چالش مواجه شده است



دیدگاه باراک اوباما، رئیس جمهوری امریکا درباره نقش این کشور در خاورمیانه و شمال آفریقا در هر کشوری که رویکرد او به عنوان یک مدل در نظر گرفته شد به چالش کشیده شده است.

اوباما پس از عمل به وعده‌هایش در خصوص پایان دادن به حضور گسترده امریکایی‌ها در جنگ‌های خاورمیانه، از اکنون اندک اندک به دنبال بازگشت به عراق است.

کمپین‌های ضد تروریستی که اوباما آنها را به مبارزه زمینی ترجیح می‌دهد تا حدودی افراطیون را تضعیف کرده است. اما این کمپین‌ها در متوقف ساختن رشد و یا شکل‌گیری مجدد چنین گروه‌هایی عملاً ناتوان بوده است و همزمان درخواست اوباما از دولت‌های منطقه‌ای و نیروهای امنیتی محلی برای رهبری کردن کشور بی‌ثبات خود تنها توانست ضعف و ناتوانی آنها را عیان کند.

کاخ سفید اعلام کرده است که تهدید ناشی از تروریسم در سراسر منطقه گسترده شده با این حال مقامات مختلف در خصوص تهدیدات ناشی از چنین گروه‌هایی علیه امریکا معتقدند تهدیدات داعش علیه امریکا به مراتب کمتر از زمانی است که القاعده در دوران اوج بود. با این وجود اما آژانس‌های دفاعی و اطلاعاتی امریکا به شدت درباره کشورهای که دچار آشوب‌های سیاسی توامان با مسائل امنیتی هستند ابراز نگرانی می‌کنند. در زیرنگاهی می‌اندازیم به کشورهایی که به زعم اوباما مواردی از مشارکت جدید امریکایی‌ها در جهان عرب محسوب می‌شوند.

عراق

در نگاه اول به این کشور و میراث اوباما در آن می‌توان به پایان جنگ مفور و پرهزینه عراق اشاره کرد. همزمان با صدور دستور خروج نیروهای امریکایی از عراق در اواخر سال ۲۰۱۱ اوباما اعلام کرد که امریکا درکنار «عراقی، مستقل، با ثبات و دارای عزت نفس» باقی می‌ماند.

اما سال گذشته، چندین هزار نیروی زمینی امریکایی برای کمک در جهت مبارزه با گسترش گروه تروریستی داعش به عراق بازگشتند و در ماه اوت، امریکا حملات هوایی خود علیه شبه نظامیان داعش در عراق را آغاز کرد.

منتقدان اوباما او را به ترجیح دادن منافع سیاسی خود به شرایط امنیتی حاضر در عراق در هنگام خروج از آن کشور متهم می‌کنند. آنها معتقدند که خروج امریکا، خلایی را ایجاد کرد که اجازه داد گروه داعش به موفقیت‌هایی دست یابد و قسمت‌های وسیعی از عراق را اشغال کند.

این در حالی است که اوباما مقصر اشغال شدن بخش‌هایی از عراق را دولت عراق می‌داند که اقلیت‌های قومی و مذهبی را در این کشور نادیده

می‌گرفت. مقامات امریکایی به کنار گذاشتن نوری مالکی، نخست وزیر عراق از قدرت کمک کردند اما شرایط سیاسی در این کشور همچنان شکننده باقی مانده است.

بغداد همچنان شاهد حملات روزانه از سوی شبه نظامیان از جمله حملات انتحاری و انفجار ماشین و ... است: حملاتی که هدف آنها تضعیف اقدامات دولت مرکزی برای ایجاد امنیت در کشور است.

سوریه

سوریه احتمالاً آزار دهنده‌ترین و دشوارترین بحران خاورمیانه برای کاخ سفید بوده است.

اوباما در تلاش برای خارج نگه داشتن امریکا از

گود جنگ داخلی در سوریه از گفت‌وگوهای سیاسی پشت پرده برای برکناری بشار اسد، رئیس جمهوری سوریه از حکومت حمایت کرد، گفت‌وگوهایی که پی در پی شکست خوردند. اوباما تقریباً نزدیک بود که دستور حملات هوایی علیه بشار اسد را پس از اتهامات علیه دولت سوریه مبنی بر استفاده از سلاح شیمیایی در سال ۲۰۱۳ صادر کند اما بعدتر به نفع یک راه حل سیاسی از این اقدام خودداری کرد.

اوباما در آن زمان گفت: ما اکنون این شانس را داریم تا از طریق دیپلماسی به هدف خود دست یابیم.

اما تقریباً پس از حدود چهار سال جنگ، جنگ داخلی همچنان ادامه دارد، بیش از ۲۰۰ هزار تن در طی این چهار سال جان باخته و بشار اسد همچنان بر قدرت است. اوباما نیز جایگاه خود را در آموزش دادن و مجهز کردن نیروهای مخالفان سوری در سطحی نه چندان تاثیر گذار حفظ کرده است.

یمن

زمانی که اوباما علیه گروه داعش در عراق و سوریه

حمایت هوایی را آغاز کرد، یمن به عنوان نمونه‌ای موفق از چگونگی مبارزه امریکا با تروریسم بدون نیاز به نیروهای زمینی یاد شد.

برای سال‌ها، کاخ سفید با دولت یمن همکاری ضد تروریستی اعلام کرده و القاعده یمن را مورد هدف پهپادهای خود قرار داده بود. ارتش یمن همچنین از سوی امریکا کمک‌های مناسبی دریافت می‌کرد با این هدف که به نهادی موثر علیه القاعده در خلیج فارس تبدیل شود. اما حوثی‌ها توانستند قدرت را در دست بگیرند. طی چند روز امریکا سفارت خود را در این کشور تعطیل کرد و به این ترتیب روابط امریکا با کمپین ضد تروریسم در یمن پیچیده شد.

لیبیا

در سال‌های اول دوره اول ریاست جمهوری، زمانی که اوباما سعی می‌کرد به فعالیت‌های نظامی امریکا در جهان عرب خاتمه دهد، لیبیا به نمونه‌ای بدل گشت که اوباما برای مشارکت در آن مایل بود. امریکا در سال ۲۰۱۱ در حمایت از آشوب‌ها علیه معمر قذافی، دیکتاتور لیبیا به کمپین بمباران ناتو پیوست. اوباما در آن زمان اعلام کرده بود که همکاری نکردن با لیبیایی‌ها خیانت به ارزش‌های امریکاست.

اما امریکا و شرکای غربی‌اش انتقال قدرت پس از قذافی را به عهده مردم لیبیا گذاشتند. پس از آن خشونت‌های گسترده سراسر لیبیا را فرا گرفت و آن را به آشوب کشاند و دو دولت و پارلمان به حکومت در شرق و غرب کشور پرداختند.

این در حالی است که در بین گروه‌هایی که در لیبیا حضور دارند اعضای داعش نیز دیده می‌شوند. روز یکشنبه هفته گذشته این شبه نظامیان ویدیویی از سربردن ۲۱ مصری مسیحی منتشر کردند که برای کار به لیبیا رفته بودند.

عربستان خواستار تشکیل سازمانی اسلامی برای مبارزه با تروریسم شد



کنفرانس اسلام و مبارزه با تروریسم با هدف مبارزه با تروریسم، اصلاح و ریشه کن کردن مفاهیم مرتبط با تفکر تکفیری در مدارس و دانشگاه‌ها، با حضور شخصیت‌های اسلامی سراسر جهان در مکه برگزار شد.

به گزارش شبکه خبری اسکای نیوز عربی، ملک سلمان بن عبدالعزیز، پادشاه عربستان در سخنانی در جریان کنفرانس بین المللی «اسلام و مبارزه با تروریسم» تشکیل یک سازمان و نهاد اسلامی برای مبارزه با تروریسم را که چهره اسلام را خدشه‌دار می‌کند خواستار شد.

وی در این کنفرانس که روز یکشنبه با حضور بیش از ۴۰۰ تن از علمای دینی و اندیشمندان سراسر جهان برگزار شد، تأکید کرد: امت اسلام از سوی تروریسم به قتل و غارت و انواع جنایات تهدید می‌شود و این گونه جنایات به اسم و پرچم اسلام صورت می‌گیرد.

ملک سلمان تصریح کرد: عربستان تاکنون برای مبارزه با تروریسم آن هم در تمامی زمینه‌ها با تمام قوا تلاش کرده است. دستگاه‌های امنیتی در داخل کشور باید برای ریشه کن کردن تروریسم و گروه‌های افراطی وارد عمل شوند و از هیچ تلاشی دریغ نکنند.

وی در ادامه تصریح کرد: عربستان در سطح کشورهای جهان اسلام و منطقه برای مبارزه با تروریسم آن هم در تمامی زمینه‌ها چه امنیتی و چه عقیدتی با کشورهای دیگر همکاری می‌کند و این انگیزه‌ای است تا تمام امت اسلام برای برپایی مذاکرات میان خود وارد عمل شوند.

ملک سلمان افزود: با وجود تلاش‌های مداوم و تاثیر گذار کشورهای اسلامی برای نابودی کامل تروریسم، هنوز جنایات گروه‌های تروریستی در منطقه و کشورهای اسلامی ادامه دارد که این باعث نگرانی همگان شده است.

وی تأکید کرد: مقابل تروریسمی که روز به روز در حال گسترش است باید قاطعانه و با جدیت مقابله کرد و عربستان نیز مسئولیت خود را مقابل این امر درک کرده و به آن متعهد است و باید هر چه سریعتر برای نابودی پدیده ویرانگر تروریسم، سازمانی اسلامی آن هم با طرح و برنامه‌های فراگیر ایجاد شود.

ملک سلمان در این کنفرانس برای مبارزه با تروریستی که چهره اسلام را خدشه دار می‌کند و خطری بزرگ برای امت اسلامی و تمام جهان محسوب می‌شود همگان باید برای مبارزه با تفکرات تروریستی که تمام امت اسلامی و جهان را تهدید می‌کند وارد عمل شوند.

وی در این کنفرانس از تمام شرکت کنندگان خواست تا برای بالا بردن سطح آگاهی کشورهای عربی نسبت به خطرات تروریسم برنامه و طرح‌های کارآمدی را پایه‌ریزی کنند.

از سوی دیگر احمد الطیب، شیخ الازهر ضمن انتقاد از گروه‌های تندرو از تمام کشورهای اسلامی خواست تا با مراجعه به برنامه و آموزه‌های اسلام به اصلاح تفکرات اشتباه و مفاهیم تکفیری و تندروی در دانشگاه‌ها و مدارس بپردازند.

شیخ الازهر در سخنانی اظهار کرد: امیدوارم که آموزه‌های موجود در کتب درسی مدارس و دانشگاه‌ها ما مفاهیم و تفکرات اشتباهی همچون تندروی، تفکرات تکفیری، تفرقه انگیزی که ذهن و عقل را تشویش و مشغول می‌کند اصلاح شود.

وی افزود: ما آنطور که شایسته است در مدارس و دانشگاه‌های خود به مسائل آموزشی و تربیتی نپرداختیم و امید نیست که این امت به قدرت و وحدت و برادری خود بازگردد و با کشورهای پیشرفته همسو شود.

شیخ الازهر تأکید کرد که گرایش‌های تکفیری خطری برای وحدت مسلمانان است و نتیجه آن کاشتن بذر نفرت و کینه در دل مسلمانان است و به تبع آن دو دستگی و اختلافات میان مسلمانان ایجاد می‌شود.

وی ضمن انتقاد شدید از گروه‌های تندرو، مبارزه با بلایایی که گریبانگیر منطقه و کشورهای عربی شده و توسط گروه‌های خشن و تروریست‌های بیگانه با اسلام و عقاید و تمدن اسلامی ایجاد شده خواستار شد.

از سوی دیگر عبدالله بن عبدالمحسن ترکی، دبیرکل انجمن جهان اسلام تصریح کرد: امید است که این کنفرانس بر برنامه و طرح‌های علمی برای مبارزه با تروریسم در جهان اسلام و خارج از آن تمرکز شود.

در این نشست تمام شخصیت‌های اسلامی و امنیتی کشورهای جهان اسلام آن هم برای بررسی و تبادل نظر در خصوص ۶ محور اصلی این کنفرانس یعنی مفهوم تروریسم، علت‌های ایجاد تروریسم، عوامل اجتماعی و اقتصادی ایجاد تروریسم، عوامل تربیتی و فرهنگی و رسانه‌ای، منافع منطقه‌ای و جهانی و پیامدهای تروریسم شرکت کردند.

گسترش قدرت گروه‌های تروریستی در جهان

و این گروه شبه‌نظامی تنها ۱۰۰۰ عضو داشت. پس از آن تعداد نیروهایش را به بیش از ۳۰ هزار تن رساند. محدوده تحت اشغال داعش در خاورمیانه و شمال آفریقا هم‌اکنون به حدی وسیع شده که تنها دریای مدیترانه آن را از اروپا جدا می‌کند.

گروه‌های تروریستی در سراسر جهان نیز اکنون بیعت وفاداری با داعش بسته‌اند و این در حالی است که گروه‌ها در حال تسخیر کشورهای بی‌ثبات هستند.

کارشناسان بر این باورند که کنترل داعش در لیبی می‌تواند منجر به «سناریوی فاجعه‌بار» بالقوه شود و حملات ائتلاف تحت رهبری امریکا تنها به «پروپاگاندا عوام‌فریبانه» این شبه‌نظامیان دامن می‌زند.

طبق گفته سازمان اطلاعات مرکزی امریکا (سیا) داعش ۳۱ هزار و ۵۰۰ شبه‌نظامی وفادار دارد اما تخمین زده می‌شود که شمار نیروهای آن‌ها بسیار بیشتر از این مقدار باشد و یکی از فرماندهان نیروهای کرد تخمین می‌زند که داعش حدود ۲۰۰ هزار شبه‌نظامی داشته باشد. داعش علاوه بر فعالیت در عراق و سوریه اخیراً در لیبی تحرکاتی انجام داده و به دنبال جلب حمایت‌ها در ترکیه، یمن، عربستان، استان سینای مصر، افغانستان، تونس و الجزایر است.



گروه تروریستی داعش که گمان می‌رود بیش از ۳۰ هزار شبه‌نظامی داشته باشد، دامنه حضور خود را در خاورمیانه و شمال آفریقا گسترش داده و اکنون تنها دریای مدیترانه آنها را از اروپا جدا می‌کند.

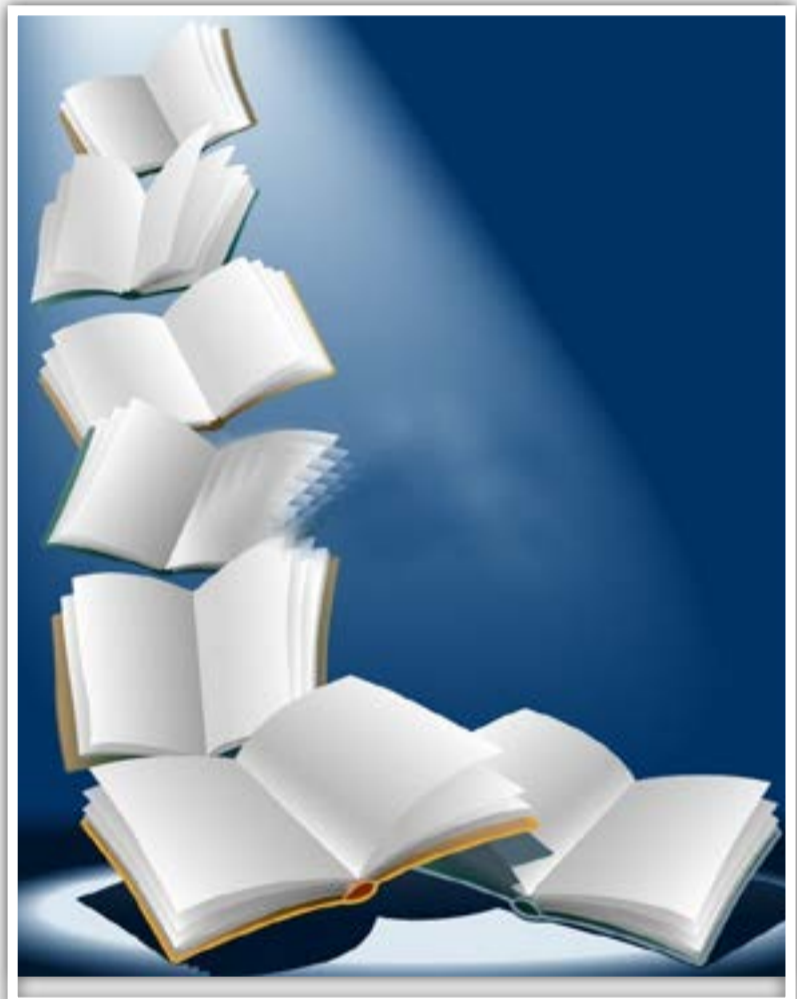
به نوشته روزنامه دیلی میل، فعالیت داعش به صورت گسترده‌ای در حال افزایش است و نقشه‌های جدید نشان می‌دهد که چگونه شاخه‌های این گروه تروریستی هم‌اکنون از الجزایر تا افغانستان توسعه یافته است. فعالیت داعش در ابتدا به عنوان القاعده در عراق از سال ۲۰۰۴ شروع شد

بخش سی و پنجم

اندیشه های سیاسی در میان مسلمانان



عبد الحفیظ منصور



۱. در منابع اسلامی، اشاره به امامت یا خلافت صورت نگرفته است. کسانی استدلال شان بر این پایه است که در منابع اساسی اسلامی هیچ اشاره‌یی به خلافت یا امامت نشده است، لذا میان امور سیاسی و تعلیمات اسلامی پیوند وثیقی وجود ندارد.

۲. پیامبر اسلام، رسالتش به دعوت دینی خالص منحصر می‌شد. رسالت پیامبر به دعوت مردم به یکتاپرستی، ایمان به معاد و روز رستاخیز خلاصه می‌گردید، این نظریه را هم علی عبدالرزاق و هم مهدی بارزگان ارایه داشته‌اند.

۳. احکام حکومتی، دلیل جدایی دین از سیاست است. حکومت‌ها یک سلسله احکام خاص و معین خود را دارند؛ از این رو برخی از پژوهشگران وجود چنین احکامی را، یکی از دلایل جدایی دین از سیاست می‌خوانند.

۴. به استناد این سخن که حضرت علی می‌فرماید "جامعه امیر می‌خواهد، چه فاجر باشد، چه نیکوکار"، دین از سیاست جداست.

۵. تأثیر اوضاع خاص تاریخی بر تشکیل حکومت به وسیله پیامبر اسلام. پیامبر اسلام در مکه به کار سیاسی نپرداخت و در پی ایجاد حکومت نبرآمد. آن‌گاه که وضعیت در مدینه دگرگون شد، به تشکیل دولت دست یازید. این سخن

بدین معناست که تشکیل حکومت به رسالت پیامبر پیوندی ندارد، ورنه از همان آغاز خود را زعیم و پیشوای سیاسی مردم معرفی می‌داشت.

۶. در صورت عدم تفکیک رسالت انبیا از سیاست، توحید تبدیل به شرک می‌شود.

هدف اصلی پیامبران، دعوت مردم به سوی یکتاپرستی است، نه ایجاد حکومت و رهبری سیاسی مردم. در صورت یکی دانستن امر سیاسی با امر دینی، دعوت پیامبران آن خلوص خود را از دست می‌دهد. (میر، ۱۳۸۰: ۱۸۶-۱۳۷)

برای ارزیابی دلایل طرفداران حکومت دینی و جانبداران جدایی دین از سیاست، دو روش وجود دارد: روش اول بر آن است که دلایل طرفین از نظر عقلی به تحلیل و ارزیابی گرفته شود و سرانجام، قوت و ضعف آن‌ها شناسایی گردد. این روش به گفت‌وگوها میدان می‌دهد و هر یک به حرف خود می‌چسبند و دیگری را با القابی نظیر نادان، منحرف، مشرک و آله دست بیگانه متهم می‌سازد. اما روش دوم، به پیچ‌وخم‌های کلامی و منطقی دچار نمی‌شود و در پی شناسایی مستندات عقلی و شرعی طرفین سرگردان نمی‌گردد؛ بلکه به صورت ساده به نتیجه و ثمره کار هر دو گروه می‌نگرد و می‌سنجد که طریقه کدام یک به ثبات و ترقی کشورها انجامیده، و کدام یک تحجر، عقب‌مانده‌گی و استبداد را بیمه

بخش نخست

چه‌گونه آرامش خود را در محیط کار حفظ کنیم؟

معصومه اسدی

امروزه متخصصان بر این عقیده‌اند که نیروی انسانی هر سازمان می‌تواند عامل بقای آن سازمان باشد، اما با چه شرایطی؟ آیا یک نیروی متخصص بدون انگیزه یا یک نیروی جوان ولی افسرده می‌تواند کارایی داشته باشد و سازمان را به اهدافش برساند؟

آیا در یک محیط کار پُراسترس و تنش می‌توان انتظار عمل کرد مطلوبی داشت؟ اگر به این جمله که انسان‌های شاد بهره‌ورتر هستند، اعتقاد داشته باشید، مطمئناً پاسخ‌تان منفی خواهد بود. در واقع می‌توان گفت یکی از فاکتورهای مهم شاد بودن فرد در محیط کار، وجود آرامش در فضای آن محیط است که متأسفانه در بسیاری از سازمان‌ها این مسأله وجود ندارد.

عده زیادی از ما دوست داریم چنین فکر کنیم که اگر زیر فشار باشیم، بهتر کار می‌کنیم. این نوع تفکر، توجیهی برای تنبلی است. توجیه چنین کاری این است که چون زیر فشار و اجبار بهتر کار می‌کنم تا آخرین دقیقه کار را به تعویق می‌اندازم و این بهترین نوع خودفریبی است. مطمئن باشید با فشار و در آخرین لحظه کار کردن، آرامش را از شما می‌گیرد و در ضمن وقتی مجبور باشید با فشار کار کنید، حتماً مرتکب اشتباه خواهید شد.

البته اگر زمانی را به تفریح و تمدید قوا اختصاص ندهیم، زیان می‌کنیم. معمولاً افرادی که به کار کردن اعتیاد دارند، جاه‌طلب هستند و می‌خواهند به هر قیمتی خود را بالا بکشند و متأسفانه آن‌چه را بسیاری از این افراد نمی‌دانند این است که اعتیاد به کار، موثر بودن شغلی را کم می‌کند. به‌خصوص این‌که هر قدر کار پُراسترس‌تر باشد، نیاز فرد به استراحت و فراغت از کار و تفریح بیشتر است.

اگر به تصویر بزرگ از زنده‌گی افراد موفق نگاه کنید، متوجه می‌شوید بیشتر عمر خود را به زنده‌گی کردن اختصاص داده‌اند. در واقع آن‌ها باید زنده‌گی می‌کرده‌اند تا بتوانند کار کنند. سعی کنید بیشتر به آن جنبه خود که ارتباطی به کار ندارد، توجه کنید و زمانی را واقعاً زنده‌گی کنید. مثلاً چند موضوع مورد علاقه و سرگرمی برای خود پیدا کنید تا شما را از فشارهای جسمی و ذهنی آزاد کند. اگر در طول روز کاری، به خود فرصت استراحت بدهید، درمی‌یابید حتماً کارایی‌تان در کار نیز بهبود پیدا می‌کند.

استرس‌تان را کنترل کنید

برای به دست آوردن آرامش در محیط کار، پیامزید مثبت فکر کنید. یک نگاه مثبت و توانایی حفظ آرامش تحت فشار زیاد، باعث می‌شود بتوانید به همکاران خود پاسخ مثبت دهید و این باعث کاهش استرس در گروه شما و محیط کارتان می‌شود.



فصل دوازدهم

اندیشه‌های سیاسی مسلمانان در عصر حاضر

از دو سده بدین سو، اروپا با ابزار جدید و افکار نو وارد دنیای اسلام شده است. این ورود توأم با سلطه‌جویی و سیطره‌طلبی بوده که به "استعمار" شهرت یافته است. در نتیجه، واکنشی که جنبش‌های اسلامی از خود نشان داده‌اند نیز دارای خصلت غرب‌ستیزی و استبدادزدایی بوده و این ویژگی تا هنوز در میان جنبش‌های اسلامی به درجات متفاوت حفظ شده است.

نام دوم اروپا - که پس از جنگ اول جهانی، ایالات متحده آمریکا در کنارش ایستاد - "غرب" است. دنیای غرب همان‌گونه که مهد اختراع و تولید انواع اسباب و ماشین بوده است، زادگاه مفاهیم و ارزش‌هایی همچون دموکراسی، پارلمان، انتخابات، حقوق بشر، حقوق زن، حزب سیاسی، تفکیک قوا، جمهوریت، دولت مشروط، سوسیالیسم، لیبرالیسم، فیمینیسم، بازار آزاد و نظایر آن‌ها نیز می‌باشد. به بیان دیگر، غرب در دوران معاصر خلاف توسعه‌طلبی‌های دوران کهن که تنها با وسایل و ابزار جنگی به سرکوب و تسخیر سرزمین‌های دیگر می‌رفت، این‌بار در پهلوی سخت‌افزار، به نرم‌افزار نیز مجهز است؛ آن یکی تأسیسات و نیروی رزمی طرف را هدف قرار می‌داد، و این دیگر فکر، اندیشه و نهادهای فرهنگی و اجتماعی را آماج قرار می‌دهد.

از آن جایی که سده‌ها مسلمانان به آهسته‌گی و پیوسته‌گی راه زوال را پیموده بودند، در میدان مقابله نه توان رویارویی نظامی را داشتند و نه هم یارای رویارویی فکری را؛ در نتیجه، مسلمانان در چهارچوب حرکت‌های آزادی‌خواهانه نامنظم، با رویکرد انقلابی و با اعتقاد به این مسأله که راه نجات جز در بازگشت به صدر اسلام نیست، جنبش‌هایی را سر و سامان دادند که هر یک از آن‌ها در حد یک تلاش مخلصانه و تجربه در خور اصلاح قابل محاسبه‌اند. ابزار و وسایل ساخته غرب در موارد زیادی با مخالفت مسلمانان مواجه نشد و حتا از آن‌ها استقبال گردید؛ ولی افکار و روش‌هایی که غرب در عرصه سیاست و اجتماع عرضه داشت، مانند انتخابات، دموکراسی، پارلمان، حقوق بشر به‌شدت مورد مخالفت واقع شد؛ زیرا بیشتر مسلمانان در مرحله نخست آن مفاهیم را در تضاد با آموزه‌های اسلامی می‌پنداشتند و هنوز که هنوز است، دامن این بحث برچیده نشده و مشاجراتی در زمینه همچنان ادامه دارد. اگر به تعبیر دیگر این موضوع بیان شود، مسلمانان مدرنیسم را پذیرفتند، ولی روی مدرنیته مناقشه دارند

عبدالرشید فکرت بخشی

بخش دوم

امام غزالی به نقل از شفیق بلخی آورده است: مردم سه سخن را می‌گویند و در عمل کرده‌هایشان گاهی موافق آن حرکت می‌کنند: می‌گویند ما بنده‌گان خداوندیم درحالی‌که همانند انسان‌های آزاد رفتار می‌کنند و این خلاف تعهد ایشان است. می‌گویند خداوند متکفل و روزی-دهنده ماست اما قلب‌هایشان جز به دنیا اطمینان نمی‌یابد و اشیای ناچیز آن را انبار می‌کنند. می‌گویند مرگ امری حتمی و گریزناپذیر است در حالی‌که همانند جاودانه‌گان عمل می‌کنند و این نیز خلاف آن چیزی است که می‌گویند.

مرگ را باید بزرگ‌ترین واقعیت فراموش‌شده بشر امروز دانست کما این‌که، انسان امروز چنان‌که درکمی و لحظه‌وار می‌اندیشد که واقعات دور دست‌تر از خودش را نمی‌بیند. هر چند مرگ را نباید واقعیتی دور و نامشکوف تلقی کرد کما این‌که، مرگ ملازم و آیینه‌دار زنده‌گی بشر است و بی‌وجود آن، زنده‌گی صورت اصلی‌اش را نشان نمی‌دهد و اصلاً پرده-یی برای نمایش آن وجود نخواهد داشت. از هایدگر نقل شده است:

به عقیده هایدگر، انسان فقط با احساس این‌که دائماً با مرگ «روبه‌رو» است، قادر به درک اهمیت و غنای هر لحظه در زنده‌گی و خلاص شدن از «بت‌های وجود اجتماعی»-

اهداف «آرمان‌ها» و «انتزاعات علمی» است. [...] بدبینی و دشمنی عمیق با علم و تکنولوژی ذاتی اگزیستانسیالیسم هایدگر است.

این‌که هایدگر به علم و تکنولوژی بدبین است، به ما ربطی ندارد اما اندیشه‌های وی در هستی و زمان، آسیب‌شناسی فلسفی و متافیزیکی تمدن غربی است و روایتی است از مرگ‌اندیشی، سرخورده‌گی فکری و بی‌خانمانی ازلی‌یی که انسان متمدن غربی با آن درگیر است و برای نجات خودش به هر گیاهی دست می‌یازد و به هر سنگی پناه می‌برد.

در نگاهی عمیق‌تر - کما این‌که قرآن کریم، و مولوی نیز توجه داده است - زنده‌گی این جهانی ماهیتاً غفلت‌آور و آمیخته با خودبیگانگی است. در روایتی از پیامبر اکرم آمده است: «الناس نیام‌اذا ماتوا انتبهوا» مردم در خواب‌اند و چون بمیرند بیدار می‌شوند. شاید این امر در وهله اول عجیب به نظر آید اما برای درک درست آن کافی است لحظاتی چشم برهم نبهید و لحظه‌های زنده‌گی‌شده‌تان را تداعی کنید، آن‌گاه خواهید دانست که خواب‌های دیده‌شده با خاطره‌های سپری‌شده هیچ تفاوتی ندارد؛ بلکه مشابهت‌های فراوانی میان آن‌ها می‌توان یافت.

به هر حال، روایت فوق حاوی نکات زیبایی است که مختصراً به آن می‌پردازیم:

- نکته اول این‌که، زنده‌گی دنیا ذاتاً و ماهیتاً آمیخته با غفلت و ناآگاهی است. دنیا جایی نیست که بتوانیم در آن حقایق نهفته قدسی و ایمانی را به روشنی درک کنیم و به کنه آن دست یازیم. این امر (درک‌ناپذیری امر قدسی) به معنای بلا تکلیفی و بی‌توجهی به تلاش‌های بشری در راستای شناخت ایمانی و قدسی نیست، بلکه امکان دست‌یابی به آن وجود دارد؛ اما مشاهده عینی آن در سرای دیگر، و با لوازم و امکانات دیگری میسر خواهد بود که در عالم دنیا دور دسترس است.

- نکته دوم این‌که، در خواب بودن مردم در روایت مزبور، قضیه‌یی کلی و مهمله است و ادات حصری در آن نیامده است. معنای سخن این است که در خواب‌بوده‌گی خصلت مشترکی است که انسان‌ها از آن بی‌خبر اند - که پیامبران الهی همواره از آن تذکار داده اند - اما می‌تواند استثنااتی داشته باشد و انسان‌های برتری بتوانند حقایق نامشکوف دینی را در همین دنیا با چشم سر ببینند، بی‌آن‌که وارد جهان دیگری شوند و همه‌چیز آشکارا مجسم شود.

- نکته سوم این‌که، آگاه شدن بشر از خوابیده‌گی خودش - به صورت عام - جز با مرگ اتفاق نمی‌افتد و مرگ با همه بدبینی‌هایی که به آن داریم، عطش جست‌وجوگری حقیقت انسان را فرو می‌نشاند و او را تا مرزهای بی‌کران حقیقت ره می‌نماید. انسان وقتی به خواب می‌رود، رویاهایی می‌بیند که در همان حالت

زمان

تکنولوژیک

خواب

- یا به تعبیر دیگر جهان خواب - واقعی به نظر می‌رسد و بیننده خواب تمامی آن‌چه را که در خواب اتفاق می‌افتد، واقعی می‌پندارد و هیچ تردیدی در این مورد به خود راه نمی‌دهد. اما وقتی بیدار می‌شود، رویاهایی را که در خواب دیده بود، در

مقایسه با عالم بیداری غیرواقعی و خیالی می‌پندارد. این درحالی است که رویاهای واقعی اند اما سنخ واقعیت آن‌ها با واقعیت‌های معمول و متعارف ما یکسان نیست و ما به غلط چنان می‌پنداریم که خواب‌ها غیرواقعی و خیالی‌اند. با این حساب، وقتی شما در خواب هستید، عالم خواب را به درستی تشخیص داده نمی‌توانید و نمی‌دانید که اتفاقات روی داده در عالم خواب است نه در عالم واقع؛ اما به مجرد چشم باز کردن و بیدار شدن پی می‌برید که آن‌چه روی داده است، در عالم خواب بوده است.

با توجه به آن‌چه یاددهانی کردیم، دانسته می‌شود که دنیا و آخرت دارای همان نسبتی است که خواب و بیداری؛ و با این توضیح می‌توان حقایق اخروی را بهتر از پیش درک کرد. بشر همواره

مرگ را پایان راه می‌پندارد اما از حضور همیشه‌گی مرگ، و درهم‌تنیده‌گی مرگ و زنده‌گی غافل است. کوچیدن تصور مرگ از قلمرو اندیشه‌ها باعث شده است تا بزرگ‌ترین سر زنده‌گی آدمی، مغفول و به دور از دستان عقل و شهود، در تاق‌های فراموشی نهاده شود و در نهایت، مفهوم زنده‌گی چنان‌که باید، دانسته نشود.

دگرذیسی‌های جامعه‌شناختی زمان ما بیش از هر چیز دیگری مشهود و قابل دید است. جامعه‌یی که ما در آن زنده‌گی می‌کنیم، تفاوت‌های شگفت‌انگیزی با جوامع تاریخی گذشته دارد که حتا برای بشر امروز هم تعجب‌آور است. فشار نفوس، موشک‌های قاره‌پیما، هواپیماهای بی‌سرنشین، دگرگونی ارتباطات، سرعت‌یابی اطلاعات، اوتوماسیون، اختراعات سرسام‌آور تکنولوژیک، تبلیغات همه‌جاگیر و گسترده رسانه‌یی، صنعتگاه‌های فراملی، پژوهش‌های فضایی و خلاصه «ترتیب‌یابی دوباره زمان و مکان» چهره زنده‌گی انسان امروز را وارونه کرده است و آینده بشر را با تهدید و امیدواری‌های بسیاری روبه‌رو کرده است. تفاوت زمان ما با گذشته - به لحاظ جامعه‌شناختی - چنان عمیق و حجیم است که برای خود انسان نیز حیرت‌آور است. برای فهم دگرگونی‌های زمان ما کافی است چشمان‌تان را ببندید و برای لحظاتی دنیایی را تصور کنید که در آن موبایل، انترنت، برق، ماهواره،

اتم، عرادجات، اسلحه، کامپیوتر و ... نباشد. آن‌گاه می‌توان به عمق دگرگونی‌های زنده‌گی انسان امروز پی برد و فرورفته‌گی‌های جبران‌نشدنی هم‌روزگاران ما را شناخت.

دگرگونی‌هایی که از آن یاد کردیم، بر روابط انسانی و اجتماعی ما نیز تأثیرگذار بوده است؛ کما این‌که مناسبات انسانی تغییر کرده است و ارزش‌های مدرن در مسند ارزش‌های کهن تکیه زده است. شما کسانی را می‌بینید که ساعت‌ها با موبایل‌شان سرگرم‌اند و چنان با وسایل تکنولوژیک خو گرفته‌اند که مجال و ضرورتی برای بازگشتن به خویش نمی‌بینند. این انسان وقتی از انترنت فراغت می‌یابد، به سوی تلویزیون می‌شتابد و ساعت‌ها سپری می‌شود و به تماشای سریال‌های تلویزیونی، فوتبال و غیره مشغول است. دوستانی را می‌شناسم که شب‌ها تا صبح بیدار می‌مانند و بازی‌های فوتبال را به تماشا می‌نشینند. آنان چنان شیفته فوتبال‌اند که هنگام تماشای آن، خودشان را همان بازیکن میدان فوتبال می‌بینند و برای برد و باخت تیم‌ها، شرط‌ها می‌بندند و شادی و ناراحتی‌های زیادی را از این رهگذر تجربه می‌کنند. شب‌ها این چنین می‌گذرد و روزها نیز با کارهای تکراری، پی‌هم و ماشینی در یک فابریکه، موسسه، نهاد دولتی، رسانه و ... سپری می‌شود و تمام هم‌وغم‌شان را بازی شب آینده دو یا چند تیم تشکیل می‌دهد و آرزویی جز فرآ رسیدن شب و تماشای مسابقه فرداشب در سر ندارند.

مردم با یکی از هم‌صنفانم می‌نشستیم و به جهان فکر می‌کردیم. دکتر انوشه نیز در یکی از سخنرانی‌هایش گفته است: من بیست سال است که جز در برخی شب‌ها که بارنده‌گی و برف و ... باشد - شب‌ها در جای بلندی می‌نشینم و با نشانی کردن یکی از ستاره‌گان، با آن سخن می‌زنم. نویسنده این سطور نیز گه‌گاهی در شب‌های تابستان بر فراز بام خانه‌مان می‌نشینم و به آسمان پرستاره بیرونی می‌اندیشم. در یک‌چنین لحظاتی است که حقایقی به انسان دست می‌دهد و انسان، خویشاوندی‌های گم‌شده‌اش با جهان بیرونی را دوباره می‌یابد. انسان پس از آن‌که خودش را در غوغاهای روزمره زنده‌گی از دست می‌دهد، در تاریکی شب‌های تار باز می‌یابد؛ آن‌گاهی که جهان رنگ دیگری به خود می‌گیرد و ما در خلوت و در سکوت‌گاه‌های شب با خویشتن می‌نشینیم، می‌توانیم بهتر از هر زمانی خلوت‌نشینی‌های پیامبر (ص) را احساس کنیم و این‌که پیامبر چرا به غار حرا می‌رفت؟ و چه‌گونه و با کدام زبان، و با کی سخن می‌گفت؟ این پرسش‌ها را جز در تاریکی‌های شب و در خلوت‌گاه‌های سکوت نمی‌توان احساس کرد و همین مزیت است که قرآن کریم همواره آدمیان را به تفکر و اندیشیدن فرامی‌خواند و آن را فرضیه‌یی دینی قرار داده است.

فراموش نکنیم که اسلام دین اعتدال است و نباید در خلوت‌گزینی و حتا پرستش خداوند نیز زیاده‌روی کنیم. لزوم هماهنگی در رشد ارزش‌ها را که مطهری مطرح می‌کند، نباید از یاد برد.

کمال انسان در تعادل و توازن اوست؛ یعنی انسان با داشتن این‌همه استعدادهای گوناگون، آن‌وقت انسان کامل است که فقط به سوی یک استعداد گرایش پیدا نکند و استعدادهای دیگرش را مهمل و معطل نگذارد. [...] مقصود از هماهنگی در این‌جا این است که در عین این‌که همه استعدادهای انسان رشد می‌کند، رشدش رشد هماهنگ باشد.

دکتر شریعتی چنین انسان را شبیه کسی می‌داند که تمام اندام‌هایش به‌صورت طبیعی نمو کرده، اما مثلاً سرش به‌طور غیرطبیعی رشد نموده باشد که قطعاً به سود انسان نیست.

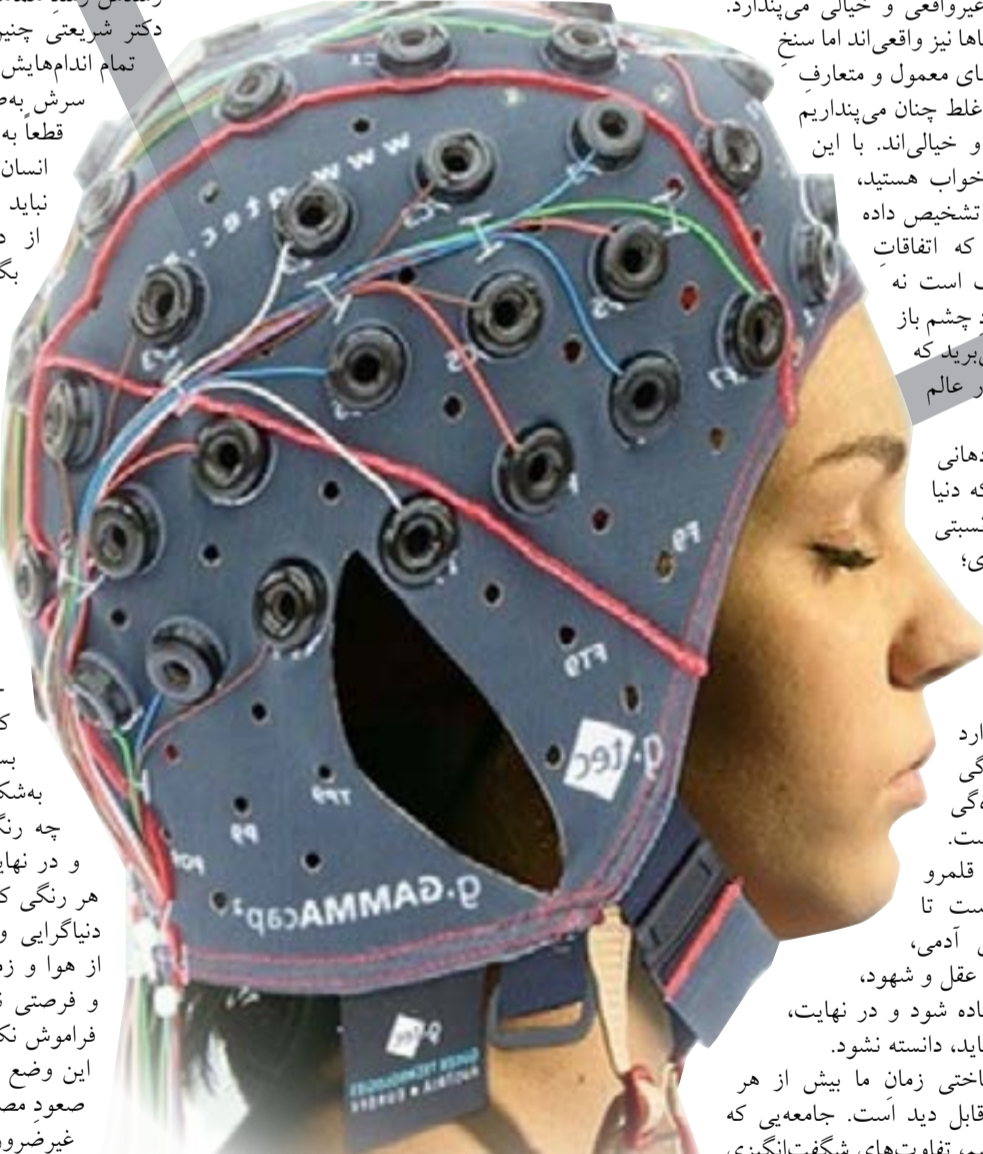
انسان همان‌گونه‌یی که در خلوت‌نشینی نباید زیاده‌روی کند، در بهره‌برداری‌اش از دنیا نیز نباید از خط اعتدال بگذرد. یکی از دوستان من، داستان همسایه‌شان را برایم تعریف کرد که جالب بود. او گفت «یکی از همسایه‌گان نزدیک ما که با هم رفت‌وآمد هم داشتیم، شبی خانه ما آمد و کتلاکی از رنگ‌ها را با خود داشت و از من خواست تا رنگی برای تعمیر چندمنزله‌اش که تازه ساخته بود، انتخاب کنم. او گفت من و همسرم چند روز است که فکر می‌کنیم این تعمیر را چه رنگ کنیم. اکنون آمده‌ام تا خودت در گزینش نوع رنگ تعمیر کمک کنی. متوجه شدم که وی بسیار شیفته و ناآرام است، برایش به‌شکل طنزآمیز گفتم: از این جهان رنگ چه رنگ انتخاب کنیم؟ اما باز هم نفهمید و در نهایت برایش گفتم: تعمیر است دگه، هر رنگی که باشد زیاد مهم نیست». این است دنیاگرایی و فرورفتن در تجملاتی که گاهی از هوا و زمین ما را تحت فشار قرار می‌دهد و فرصتی نمی‌گذارد تا خودمان را دریابیم و فراموش نکنیم.

این وضع ادامه دارد، تکنولوژی از یک‌سو، و صعود مصرف‌های کاذب و نیازهای مصنوعی غیرضروری از سوی دیگر، انسان را حیوانی ماشینی و مصرف‌کننده بار آورده است.

هراس‌انگیزتر از همه روزی خواهد بود که انسان وسایل پیشرفته‌تری ایجاد کند و خودش را در معرض نابودی همه‌گانی قرار دهد. این‌بار نابودی انسان به دستان خود انسان رقم خورده است و جز خودش، دیگری مسؤلیتی در این قبال ندارد. روزی که جوامع پیشرفته به‌منظور استعمار ملت‌های ضعیف با روابط‌های آهنی‌شان به میدان‌های جنگ درآیند، و جوامع فقیر برای آزادی خویش با خون در برابر آهن ایستاده‌گی کنند؛ اما این‌که نشانه‌های جنگ میان تکنولوژی و انسان هم‌اکنون به چشم می‌خورد و انتحار در برابر تکنولوژی به آوردگاه نبرد برآمده است.

انسان زمان ما لحظاتی با خودش نمی‌نشیند تا در سکوت و خلوت، و به دور از غوغاهای روزمره زنده‌گی، به گذشته‌اش ببیند و جایگاهش را در جهانی که زنده‌گی می‌کند، دریابد. اصلاً مجالی نمی‌یابد تا به خودش، به خدا و جهان پیرامونش فکر کند و سری به زانوی تفکر فرو نهد. او که حول و حوش و ذهن و ضمیرش را دغدغه‌های گذرنده و ساعت‌وار زنده‌گی فروپچیده است، دمی به فطرت انسانی خویش بر نمی‌گردد تا اصالت انسانی‌اش فراموش نشود و آیینه درونی او از زیر آوارهای روزمره‌گی بیرون آید.

دکتر شریعتی در هبوط در کویر می‌گوید: وقتی در فرانسه بودیم، شب‌ها در زیر درختی، به‌دور از نظار



جنرال مشرف از آشی که برای ما پخته بود، می‌گوید



برگرفته از صفحهٔ فیسبوک احمدولی مسعود

عاجل به آمر صاحب شهید زنگ زدم و از کودتای نظامیان در پاکستان خبر دادم و گفتم، کسی بنام "جنرال مُش رف" Mushrif قدرت را در دست گرفته است. گفت: کی؟ گفتم: جنرال پرویز مُش رف. آمر صاحب گفت مُش رف نیست، اسمش مشرف است و از دشمن‌ترین دشمنان افغانستان در میان افسران کلان پاکستان می‌باشد.

از آن زمان تا اعترافات وحشتناک و تاریخی این جنرال همه کارهٔ پاکستان نزدیک به یک و نیم دهه می‌گذرد. او که به صراحت می‌گوید: "به خاطر منافع ملی پاکستان و در جهت اهداف استراتژیک مان، از طریق کانال‌های نادرست، دهشت افگنی، طالبان، تروریسم و افراطی‌گرایی در افغانستان مداخله نمودیم." اعترافاتی که ضمن اثبات عمق دشمن شناسی، درست اندیشی و حقانیت مسعود شهید و فصل مقاومت، پرده از روی بسیاری از حقایق و ناگفته‌های تاریخی بر می‌دارد که سرنوشت کشور ما را برای چند دهه و تا امروز با خون و آتش رقم زد، به پرسش‌های تاریخی، پاسخ‌های تاریخی ارایه می‌کند و شک و شبهات را یکسره دور می‌سازد؛ اینکه: چرا دولت‌های پاکستان هرگز طرفدار یک افغانستان مستقل و نیرومند نبوده اند و با یک خصومت تاریخی در یک بازی نهایت کثیف در افغانستان تخم نا امنی را کاشتند و ملت‌های مسلمان و همسایهٔ افغانستان و پاکستان را با هم دشمن ساختند.

هرچند جنرال مشرف تلاش دارد تا با عنوان کردن دورهٔ زمامداری حامد کرزی و بحث عمال نفوذ غیر پشتون‌ها در دولت، دشمن تراشی نماید و اظهارات خود را توجیه کند؛ اما همه می‌دانیم که این ادعا، آنهم با مثال زدن کرزی، ادعای پوچی بیش نیست و عمق مسئله جای دیگریست.

اظهارات جنرال پر قدرت پاکستان که طی چند دهه چرخهٔ اردو و سیاست را همزمان در دست داشت و همواره درگیر رسیدن به اهداف استراتژیک منطقه می‌باشد، در این مقطع حساس با هشدار بی‌سابقه

بیم و امید عنوانی رئیس جمهوری با عبارت (دکتر اشرف غنی آخرین امید برای صلح) را نمی‌دانم به نجات افغانستان تعبیر نمایم یا نجات پاکستان، زیرا نجات هر دو در این بازی منطقه‌یی و فرامنطقه‌یی، منطبق پیدا نمی‌کند. آیا جنرال، زنگ خطر دیگری را به صدا در آورده است که زمانی فقط شهید مسعود آنرا جدی گرفته بود؟ زنگی که با داستان غم انگیز یک فصل کلان تاریخ ما، کاملاً مطابقت پیدا کرد.

اگر موضوع صلح با پاکستان جدی است، قطعاً باید از آن استقبال کرد. از رئیس تا رهبر تا مجاهد و روشنفکر و عالم و بزرگ قوم با تفاهم هم، عقلانیت، نقشهٔ مدون، همهٔ نگرانی‌های مشروع و غیر مشروع هر دو کشور را بالای میز گذاشت تا به حل دایمی رسید. اما قطعاً باید محتاط بود، با درس‌هایی از گذشته و در روشنی کامل به آن پرداخت. نباید بار دیگر مردم ما قربانی تیاتر جنگی جنرالان و سناریوی

قومی سرداران گردند، از خوش خیالی، آجنداهای شخصی و مفکورهٔ قومی به دور باشیم. نشود داستان صلح امروز، آغاز نمایشنامهٔ سناریویی باشد که ۲۰ سال قبل، پس از مجلس فرماندهان در شاه سلیم از طرف جنرال اسلم بیگ و جنرال حمیدگل به مسعود شهید پیشنهاد شده بود که از طرف شهید مسعود، رد گردید.

از همین حالا سرنوشت خود را در یک دیالوگ مستمر بین‌افغانی بسنجیم تا در این بازی دامنه‌دار پیشرو که پایانش معلوم نیست، بازهم کالای سوخت نباشیم یا دهلیز انتقال و یا هم میدان صف آرای‌ها و رقابت‌ها. باید مطمئن شویم که در کجای این معادلات چند مجهوله قرار داریم و در مقابل پیشکش کالای استراتژیک ما چه تضمینی برای کشور و مردم خود می‌گیریم.

روشن است که تعدد مراکز ضعیف قدرت در داخل و خارج حکومت وحدت ملی، در مقابل این همه بازیگران بزرگ جهانی، چانس موفقیت افغانستان را به خصوص در مقایسه با همسایگان ما به شدت پایین می‌آورد. اما کمترین انتظاری را که باید داشت، این است تا دوباره در جنگ برای دیگران، میان خود نجنگیم، که این بار سوال هستی همهٔ مان در میان است. وقت زیادی نداریم قبل از اینکه طوفان به پا خیزد و نتوانیم در گرداب غبار، یکدیگر را ببینیم، زودتر خود را سامان دهیم که سفر طولانی در پیش است و در این میان، جنرال بار دیگر برای طعمهٔ بسیار بزرگ، بزرگتر از همهٔ زمان‌ها دهان باز کرده است که معلوم نیست، اینبار از کدام آدرس.

با یک چشم انداز به این همه دُرّامه‌ها، سناریو و تیاتر و نمایشنامه، می‌شود نقش تاریخی مسعود شهید رهبر مقاومت ملی و ابعاد شهادت وی را بازنگری کرد، یا آنکه به آسانی از کنار آن گذشت، نا مرتبط دانست و به آینده پرداخت و خوش خیال بود که در آن صورت اگر چانس یاری کرد خوب و گر نه، سنگینی این بار، حتی قوی‌ترین‌ها را بر زمین خواهد زد.

تیغِ دولبهٔ تهدیداتِ کوچکِ داعش

علی پارسا

کم‌کم صدای داعش در ولسوالی‌ها و قریه‌های کشور بلند و بلندتر می‌شود. افراد و گروه‌هایی که خود را منتسب به خلافت ابوبکر بغدادی می‌دانند، حالا دیگر قدرت مانور بیشتری یافته‌اند؛ تا جایی که در شصت کیلومتری پایتخت در ولسوالی چرخ ولایت لوگر هم دست به آشوب و ناامنی می‌زنند. به‌هتزاز درآمدن پرچم سیاه آن‌ها در زادگاه رییس‌جمهور غنی، حالا دیگر بیش از هر زمان دیگری ابرهای سیاه را بر آسمان کشور مستولی کرده است؛ ابرهای سیاهی که شاید از توفانی سهمگین و مستهلک در آینده‌یی نزدیک خبر می‌دهد.

اغتشاش گروهی که خود را در بیعت با داعش می‌دانند و با اعتمادبه‌نفس و جسارت تمام به خانه‌های مردم ولسوالی چرخ حمله می‌کنند، تلویزیون‌ها را می‌شکنند، مساجد و زیارتگاه‌های تاریخی را به آتش می‌کشند و مردم را مورد قتل و غارت قرار می‌دهند، حالا دیگر خبر از «ابولا» بی می‌دهد که اگر مدیریت نشود، دست‌کم بخشی از زنده‌گی را در اطراف و اکناف کشور با خطر مواجه می‌کند- هرچند که از آن سوی دیگر، بزرگ‌نمایی این تهدید خود زمینهٔ تبلیغات به سود این گروه هراس‌افکن را فراهم می‌کند.

بدون شک هدف اولیه و اصلی هر جمع و گروه هراس‌افکنی، گستراندن دامن ترس و حس ناامنی در دل جامعه است. در نتیجه، آشوب پها کردن و به اغتشاش توسل جستن، مهم‌ترین ابزار تبلیغاتی این دسته‌های هراس‌افکن است که به مثابهٔ موتور محرک آن‌ها عمل می‌کند. با این حساب، به نظر می‌رسد که ما در میان تیغِ دولبه‌یی قرار داریم که اگر به این تهدیدات کوچک اما روبره‌رشد بپردازیم، ناخودآگاه در راستای تبلیغ اهداف هراس‌افکنانه و بزرگ‌نمایی آن‌ها قدم برداشته‌ایم، و اگر هم به آن‌ها واقعی ندهیم، ممکن است این بی‌تفاوتی عرصه را برای بی‌مبالاتی مسولان فراخ‌تر کند. با تمام این اوصاف، حالا که کارد به استخوان رسیده و ویروس داعش در چند کیلومتری قلب کشور، در حال رشد و شیوع است، به نظر می‌رسد که باید به صورت جدی‌تر به مسئله پرداخت و در پی راه چاره

شد. واقعیت تلخ‌تر این است که طالب و داعش و شبکهٔ حقانی و حزب اسلامی حکمتیار و ... جدا از نام و نقاب‌شان، همه و همه محتوای افراط‌گرایانهٔ مشترکی دارند که از دیرزمانی به این‌سو، این سرزمین را مأمونی مناسب برای خود یافته‌اند. به بیان دیگر، به نظر می‌رسد که هرگاه بخواهیم از این نام‌های پُرزرق‌وبرق عبور کنیم و نقاب از چهرهٔ این گروه‌ها برداریم، با واقعیت بزرگ‌تری روبرو خواهیم شد که گویا رشد بنیادگرایی و افراطیت ریشه در خاک حاصلخیز این سرزمین دارد؛ خاکی که هرچند در مدت‌های مدیدی مهتد تمدن‌های بسیار بوده، حالا اما تنها برای تریاک و ترور و طغیان حاصلخیز به نظر می‌رسد!

باید به‌وضوح اقرار کرد که مشکل بزرگ امنیت افغانستان، نه داعش است و نه طالب و نه هم شبکهٔ حقانی. سر‌بازان غیور و جان‌برکف‌مان نشان داده‌اند که به‌خوبی می‌توانند در میدان نبرد با این شورشیان مبارزه کنند و آن‌ها را عقب بزنند. مسألهٔ اصلی افغانستان، حضور سایه‌های پنهانی‌ست که در همه جا وجود دارند، هرچند دیده نمی‌شوند! در رابطه با ظهور داعش در شماری از ولایات کشور هم به نظر می‌رسد که اوضاع به همین منوال است. پرچم سیاه داعش با عزم و ارادهٔ محکم سر‌بازان شجاع وطن، شاید فرصت بسیاری برای اهتزاز نداشته باشد؛ همان‌گونه که پرچم سفید اسلاف‌شان در هرجایی بیش از چند روز یارای ایستاده‌گی نیافته است. با وجود این، اما مسألهٔ این است که با سرکوب کردن این سواران سیاه‌پوش و حتا با کشاندن تفنگ‌داران سفیدپوش طالب به میز مذاکره، آیا روزگار افراطیت و بنیادگرایی و هراس‌افکنی در این مرزوبوم به‌سر خواهد آمد؟ انگار با تأسف باید گفت که سرنوشت افراط‌گرایی دینی در افغانستان هم مانند غوزه‌های تریاک به خاک این کشور گره خورده است. بدون شک این سرنوشت نامیمون، ریشه در کارهایی دارد که دولت و جامعهٔ جهانی در ۱۳ سال گذشته در انجام آن ناموفق بوده‌اند. پروژه‌های میلیونی و میلیاردری جامعهٔ جهانی هم که در عرصه‌های فرهنگی و آموزشی تطبیق شد، با ضعف‌های بسیاری که داشت، نتوانست ریشه‌های ضخیم افراط‌گرایی را

چراغ سبز طالبان به...

رسمی حامد کرزی رییس جمهوری وقت افغانستان به برافراشته شدن پرچم سفید رنگ طالبان و نصب تابلوی امارت اسلامی افغانستان، بسته شد. این پرچم سفید رنگ در زمان حکومت طالبان در افغانستان از سالهای ۷۵ تا ۸۰ در این کشور استفاده می‌شد.

به گفته منابع طالبان، دفتر نماینده‌گی طالبان در قطر همچنان بسته است اما تمام اعضای مذاکره کننده طالبان در قطر اقامت دارند و ممکن است با آغاز روند مذاکرات، تعداد بیشتری از اعضای طالبان به قطر سفر کنند و به تیم مذاکره کننده ملحق شوند.

ملا محمد عمر رهبر طالبان چند ماه پیش در پیامی اعلام کرده بود که دفتر قطر تنها مرجع تماسها و ارتباطات رسمی با طالبان است.

به گفته یکی از اعضای ارشد طالبان، قرار است همین روزها هیات کوچکی از طالبان شامل قاری دین محمد (رییس هیات مذاکره کننده طالبان در چین در ماه نومبر) و عباس استانکزی یکی از اعضای ارشد طالبان برای انجام مشورت‌هایی با پاکستان، به این کشور سفر کنند.

طالبان در زمان ریاست جمهوری حامد کرزی تمایلی به مذاکره با دولت نداشت و همواره وی را متهم می‌کرد که از قدرت، استقلال و اختیارات کافی برای تصمیم گیری برخوردار نیست. در ابتدای کار دولت اشرف غنی نیز، همین نگاه نسبت به وی وجود داشت اما اکنون بعد از گذشت چند ماه از آغاز دوره ریاست جمهوری او و به لطف میانجیگریهای چین و فشارهای پاکستان، طالبان تا حدودی نسبت به انجام مذاکره به دولت کابل تمایل پیدا کرد.

سرکردگان طالبان پاکستان در عین حال که برای انجام مذاکره با دولت کابل تمایل شدند، هشدار داده اند که دولت کابل باید بطور مستقیم در این مذاکرات حضور یابد و پای طرف سومی نباید در این مذاکرات باز شود و کسی نباید سعی کند که بجای دولت افغانستان، در این مذاکرات وارد شود زیرا چنین تجربه‌یی در گذشته با شکست مواجه شده است ضمن اینکه مذاکرات فقط باید در قطر و نه در کشور دیگر، انجام شود.

اکبر آقا یکی از پایه گذاران طالبان تاکید کرده است که خروج تمام نیروهای خارجی از این کشور از شروط اصلی تحقق صلح میان طالبان و دولت کابل است و مادامی که نیروهای بیگانه در افغانستان حضور داشته باشند، صلحی محقق نخواهد شد.

به هر روی، بعد از سفر اخیر جنرال راحیل شریف فرمانده ارتش پاکستان به افغانستان که هفته گذشته انجام شد و در دیدار با اشرف غنی، نسبت به همکاری پاکستان برای کمک به محقق شدن روند مذاکرات صلح اطمینان داد، مقامات ارشد دولت کابل به روند مذاکرات صلح با طالبان خوش بین تر شده اند.

احمدضیا مسعود مشاور رییس جمهوری افغانستان در امور اصلاحات اظهار امیدواری کرد که مذاکرات با طالبان نتایج مثبتی به دنبال داشته باشد.

این مقام رسمی افغانستان بتازه‌گی گفته است: پیام‌های مثبتی در خصوص روند مذاکرات صلح با طالبان از منابع مختلف دریافت کرده ایم.

اشرف غنی رییس جمهوری افغانستان نیز روز شنبه گذشته اعلام کرد: زمینه برای مذاکرات صلح (با طالبان) فراهم شده و این مذاکرات به نفع مردم افغانستان خواهد بود.

همچنین دفتر ریاست جمهوری افغانستان با صدور بیانیه‌یی اعلام کرد که اشرف غنی از تلاش‌های اخیر پاکستان در هموار کردن زمینه برای مذاکرات صلح قدردانی کرده و از موضع اخیر دولت اسلام آباد مبنی بر اینکه پاکستان دشمن افغانستان را دشمن خود می‌داند، به گرمی استقبال کرده است.

رفت و آمدهای فراوان مقامات عالی سیاسی و نظامی میان افغانستان و پاکستان از زمان آغاز ریاست جمهوری اشرف غنی، حاکی از تحولی بزرگ و رو به جلو در روابط دو کشور همسایه است.

جنرال راحیل شریف فرمانده ارتش پاکستان طی چند ماه اخیر سه بار به کابل سفر کرده است. سهپید رضوان اختر رییس دستگاه اطلاعات و امنیت پاکستان نیز در ماههای اخیر بارها به کابل سفر کرده است. پاکستان حدود سه ماه پیش میزبان اشرف غنی بود.

بعد از به پایان رسیدن دوره سیزده ساله حکومت حامد کرزی رییس جمهوری سابق افغانستان که از آن به عنوان دوران سرد و بی اعتمادی میان کابل و اسلام آباد یاد می‌شود، پاکستان سخت در تلاش است تا نظر و اعتماد دولت جدید افغانستان را جلب کند و تشویق و ترغیب طالبان برای مذاکره با دولت اشرف غنی، یکی از بزرگترین خواسته های اسلام آباد است.

پاکستان از نفوذ بالایی در میان طالبان برخوردار است و تلاش می‌کند تا با ایجاد صلح میان طالبان و دولت کابل، فضایی برای نقش آفرینی طالبان در دستگاه قدرت افغانستان ایجاد شود و در این صورت، پاکستان عملاً نفوذ و کنترل بیشتری بر افغانستان خواهد داشت.

اگرچه سرکردگان اصلی طالبان برای مذاکره با دولت کابل چراغ سبز نشان داده اند، اما هنوز هم تعدادی از اعضای ارشد و افراطی طالبان موافق مذاکره نیستند. این افراد می‌توانند مانع اساسی در مسیر مذاکرات ایجاد کنند.

داکتر سید قاسم مظفری رییس انجمن فرهنگی اجتماعی اندیشه و عمل:

سوم حوت آغاز یک حرکت بزرگ در برابر

یک تجاوز بزرگ و بیرحمانه بود



از قیام تاریخی سوم حوت ۱۳۵۸ مردم کابل، دیروز در تالار کنفرانس های وزارت اطلاعات و فرهنگ از سوی بنیاد اجتماعی وارثین شهدای افغانستان تجلیل شد.

اکتر سید قاسم مظفری، رییس انجمن فرهنگی اجتماعی اندیشه و عمل، در این نشست گفت: «قیام سوم حوت یک حرکت مدنی است که باید ارزشهای آن برای نسل جوان بازگو و تبیین شود.»

وی تاکید کرد وحدت، برادری و هماهنگی مردم کابل باعث پیروزی قیام آنان شد.

داکتر قاسمی افزود کسانیکه به تفرقه و تعصبات قومی و زبانی دامن می‌زنند در حقیقت دشمنان کشور و ملت خویش می‌باشند.

داکتر مظفری گفت که سوم حوت آغاز یک حرکت بزرگ در برابر یک تجاوز بزرگ و بیرحمانه بود.

به گفته وی، تجاوز ارتش سرخ شوروی سابق به خاک افغانستان، توسط حماسه آفرینان کشور و آنانی که چرخ جهاد را به حرکت

درآوردند پاسخ داده شد.

او گفت که اگرچه حرکت سوم حوت مردم کابل یک حرکت منطقی و مدنی در برابر ابرقدرت شرق و در حقیقت جهت براندازی نظام کمونیستی بود؛ اما متأسفانه این قیام از زمین و هوا توسط نیروهای ارتش سرخ و مزدوران داخلی آن سرکوب و ندهای الله اکبر در گلوها خفه شد و هزاران کشته و زخمی بر جای گذاشت.

او گفت که قیام مردم افغانستان در برابر ارتش سرخ، بیش از یک و نیم میلیون شهید و بیش از ۷۰۰ هزار زن بیوه و بی سرپرست، بیش از پنج میلیون مهاجر و تخریب بیش از دو هزار مکتب و مدرسه را در پی داشت.

اما او به پیامدهای مثبت این قیام نیز اشاره کرد و گفت که از همپاشی ابرقدرت جنایتکار شوروی سابق، برداشته شدن دیوار برلین، آزادی کشورهای اسلامی و به خصوص دفاع از خاک ایران و پاکستان از پیامد های مثبت این قیام بوده است.

به گفته وی، پیروزی جهاد مردم افغانستان پیامد دیگر نیز داشت و آن میلیونرشدن رهبران جهادی و خانواده های آنان می باشد!

مظفری افزود که پس از پیروزی مردم افغانستان، رهبران جهادی خود را به نان و نوا رساندند؛ اما آرمان و هدف شهدا را فراموش کردند. سید مرتضی نیکزاد؛ رییس بنیاد وارثین شهدای افغانستان در این مراسم گفت: مردم کابل در حالی دست به قیام زدند که حضور نیروهای اشغالگر ارتش سرخ در همه جا سایه افکنده بود.

به گفته وی، قیام مردم کابل با دست های خالی در برابر ارتش تا دندان مسلح شوروی سابق در یک فضای پر از خفقان صورت گرفت که با پیروزی این انقلاب در چنین شرایطی نقطه عطفی در تاریخ کشور ثبت شد.

او گفت که مردم افغانستان با دادن هزاران شهید خواستند از دین خدا و نوامیس ملی خود دفاع نموده و حکومتی اسلامی را در این خاک برقرار کنند؛ اما به گفته وی، متأسفانه پس از گذشت ۳۵ سال نه تنها هدف و آرمان شهدا تحقق پیدا نکرد که فساد اداری و اخلاقی و ده ها مشکل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دیگر هر روز رو به افزایش است.

او همچنین گفت: شهدایی که در راه آزادی وطن و دفاع از ارزش های ملی جان های شیرین خود را از دست دادند امروز متأسفانه برخلاف انتظار به دست فراموشی سپرده شده اند و اگر محفلی هم به یاد آنها برگزار می شود خیلی محقرانه و کوچک است.

در این مراسم هندیه؛ دختر شاه امان الله خان نیز از مردم خواست که خاطره تمام شهدا به خصوص شهدای سوم حوت را زنده نگهدارند؛ زیرا به گفته وی «ما هرچه داریم از برکت خون شهداست.»

گل محمد مختاری دیگر سخنران این محفل نیز با اشاره به عظمت قیام مردم کابل گفت که اولین بستری که انقلاب مردم افغانستان بر اساس آن شکل گرفت آموزه های دینی بود.

به گفته وی، بنا به فرموده قرآن کریم، مومنین باید با عزت زندگی کنند و مردم افغانستان نیز به عنوان مردم مومن و مسلمان ذلت را نپذیرفتند و از کابل دست به قیام مردانه زدند و نام خود را در تاریخ به عنوان مردم قهرمان ثبت کردند.

کسی قصد معامله با حقوق...

مذاکرات صلح سبب خیر مردم افغانستان گردد و مردم این کشور به آرزوی دیرینه شان که همانا تامین صلح وثبات دایمی درکشور شان است، برسند.

رییس اجراییه شایعات را در مورد اینکه در سایه مذاکرات صلح حقوق مردم افغانستان زیر پا گذاشته می‌شود را رد نمود وگفت: «این اطمینان را به مردم می‌دهم که به حقوق مردم و دست‌آوردهای مردم افغانستان هیچ کس قصد معامله را ندارد.»

آقای عبدالله، تاریخ مشخصی را برای آغاز مذاکرات صلح اعلام نکرد، اما اعضای شورای عالی صلح گفته اند که مذاکرات رو دررو با طالبان مسلح یکماه بعد و درماه حمل آغاز خواهد شد.

مقامات حکومت افغانستان می‌گویند که از مدت چهار ماه به این طرف تلاش های همه‌جانبه را برای تامین صلح آغاز کرده اند.

ریاست جمهوری افغانستان گفته است که پروسه صلح به طور شفاف و در مطابقت به خواستهای مردم افغانستان به پیش خواهد رفت.

مسائل امنیتی در صدر آجندای دولت آقای عبدالله، در جلسه شورای وزیران بار دیگر تاکید کرد که مسایل امنیتی در صدر آجندای دولت قرار دارد و در جلسه امروزی شورای وزیران درمورد گروه داعش هم صحبت می‌کنند.

او افزود که بعضاً به صورت مبالغه‌آمیز در مورد این خطر بحث صورت می‌گیرد و بعضاً این خطر نادیده گرفته می‌شود.

آقای عبدالله گفت: «ما می‌خواهیم که مردم ما در جریان واقعیت‌هایی که ما به آن مواجه هستیم، باشند.»

اعضای کمیسیون اصلاحات انتخاباتی...

به نتیجه رسیده و روی و اعضای این کمیسیون توافق ضمنی صورت گرفته و تا چند روز آینده این کمیسیون به کار آغاز خواهد کرد.

آقای سانچارکی افزود: این کمیسیون زیر نظر رییس اجرایی طرح اصلاحی خود را ارائه کرده و به کار آغاز خواهد کرد.

مشاور ریاست اجرایی هم‌چنان گفت: «اعضای این کمیسیون پنج یا شش نفر خواهند بود که اعضای آن مشترک از طرف ریاست اجرایی، ریاست جمهوری و جامعه مدنی می‌باشد.»

آقای سانچارکی تصریح کرد که دیدگاه و برنامه‌های اصلاحی از قبل آماده است و این کمیسیون دیدگاه و نظریاتی را که از طرف جامعه مدنی، نهادهای مستقل نظارت بر انتخابات، رسانه‌ها، قشر سیاسی افغانستان و طرحی که تیم اصلاحات و همگرایی داشت، تمامی این نظریات را جمع بندی کرده و بر بنیاد آن راهکاری را پیشنهاد می‌کند و این کمیسیون در برابر رییس اجرایی پاسخگو است.

آقای سانچارکی تاکید کرد: اعضای این کمیسیون بیشتر چهره‌های حقوق‌دان، صاحب‌نظر، با تجربه و اشخاصی که در زمینه اصلاحات انتخاباتی طی سال‌های گذشته کارهای جدی و عمیق انجام داده اند، می‌باشند.

مشاور فرهنگی ریاست اجرایی گفت: با توجه به زمان اندکی که برای برگزاری انتخابات پارلمانی و شوراهای ولسوالی داریم و هم‌چنان دور کاری پارلمان هم به پایان می‌رسد، این کمیسیون کار خود را بعد از چند ماه به پایان می‌برد.

او می‌گوید: ایجاد این کمیسیون بر می‌گردد به تصمیم رییس‌جمهور که چه زمانی آن را ایجاد می‌کند و ما منتظر هستیم که هر چه زودتر این کمیسیون ایجاد شود و کار خود را آغاز کند.



آبیدال:

مسی به پاری سن ژرمن برود

ستاره سابق بارسلونا مسی را تشویق به جدایی از بارسلونا و پیوستن به پاری سن ژرمن کرد.

مسی از بازیکنانی است که در فصل جاری شایعه‌های زیادی درباره جدایی او از آبی-اناری‌ها به گوش رسید. اختلاف با لوئیس انریکه، افت کیفی مسی و شرایط بد آبی-اناری‌ها باعث شد تا شایعه‌های زیادی درباره این ستاره آرژانتینی به گوش رسد. مسی چهار بار به عنوان بهترین بازیکن جهان انتخاب شده است و به همین خاطر هر تیمی آرزو دارد که چنین بازیکنی را در اختیار داشته باشد. اریک آبی‌دال ستاره سابق بارسلونا که چند سالی با لیونل مسی همبازی بود می‌گوید که بهترین تصمیم برای مسی پیوستن به پاری سن ژرمن است.

این بازیکن فرانسوی گفت: مسی با بارسلونا به هرآنچه که می‌خواسته دست یافته است بنابراین بهتر است که وارد چالش جدیدی شود و به تیم دیگر برود. من براین باورم که برای مسی بهتر است که بارسلونا را ترک کند تا انگیزه او برای درخشش بیشتر شود.

او درباره این سوال که در صورت جدایی مسی از بارسلونا بهتر است که به چه تیمی برود؟ این گونه پاسخ داد: پاری سن ژرمن بهترین گزینه مسی در صورت جدایی خواهد بود. پاری سن ژرمن در این چند سال اخیر به کلی متحول شده است و برای مسی نیز

بهتر است که به این تیم برود.



آنچلوتی:

همه از باخت بارسلونا شگفت زده شدند

پیروزی در این دیدار می‌توانستیم فاصله مان را با بارسلونا به چهار امتیاز افزایش دهیم که این کار را هم انجام دادیم. روشن است که باخت بارسلونا همه را شگفت زده کرده است زیرا این تیم در فرم بسیار خوبی قرار داشت و خیلی هم خوب بازی می‌کرد. اکنون فاصله ما با آنها بیشتر شده است. البته همان طور که پیشتر هم گفتیم، قهرمان لیگ در روز پایانی مشخص خواهد شد. رئال مادرید چندی پیش در داری مادرید با نتیجه چهار بر صفر مقابل اتلتیکو مادرید شکست خورده بود اما پس از آن با سه پیروزی مشابه دو بر صفر در همه رقابت‌ها، واکنش خوبی به آن باخت نشان داده است. آنچلوتی که برای صدمین بار روی نیمکت رئال مادرید می‌نشست، از اینکه تیمش در این دیدار هم توانسته دروازه اش را بسته نگه دارد ابراز رضایت کرد.

وی در این باره اظهارکرد: در این صد بازی، همه چیز برای رئال مادرید خوب پیش رفته است. امیدوارم در صد بازی آینده بتوانیم بیشتر از این به پیروزی برسیم. ما تمرکز بالایی داشته ایم و همه مان کارهایی کا باید را خیلی خوب انجام داده‌ایم. پس از باخت مقابل اتلتیکو، روی کارهای دفاعی مان بیشتر کار کردیم. بازیکنان آنچه اجازه ندادیم توانایی هایشان را ثابت کنند. شک نداشتیم که این بازی را می‌بریم.



سرمری رئال مادرید که اکنون فاصله‌اش با کاتالان‌ها را به ۴ امتیاز رسانده تاکید کرد از باخت بارسلونا شگفت زده شده است.

رئال مادرید در هفته بیست و چهارم رقابت های لیگ فوتبال اسپانیا موفق شد در خانه آنچه با نتیجه دو بر صفر به پیروزی برسد.

کریم بنزما ۵۶ و کریستیانو رونالدو ۶۹ گل های رئال را به ثمر رساندند. با این نتیجه، رئال ۶۰ امتیازی شد و با رساندن فاصله‌اش با بارسلونا، در صدر جدول رده بندی باقی ماند. آنچه هم که اوضاع خوبی ندارد، با ۲۳ امتیاز در رتبه هفدهم قرار گرفته است.

کارلو آنچلوتی در نشست خبری پس از این دیدار گفت: پس از آن که بارسلونا در دیدار این هفته خود شکست خورد، رویارویی با آنچه برای ما اهمیت بسیار بالایی پیدا کرد. با

جدال نفسگیر سیتی و بارسا در اتحاد



ادامه رقابت‌های مرحله یک هشتم نهایی لیگ قهرمانان اروپا امشب پیگیری می‌شود.

دور رفت مرحله یک هشتم نهایی لیگ قهرمانان اروپا با برگزاری دو دیدار ادامه می‌یابد که در آن منچستر سیتی در خانه پذیرای تیم بارسلونا خواهد بود تا انتقام شکست سال قبل را از تیم اسپانیایی بگیرد.

یوونتوس نیز در تورین باید با بوروسیا دورتموند دیدار کند. دو تیم در شرایطی به مصاف هم می‌روند که شرایط متفاوتی دارند. منچستر سیتی با برد ۵ بر صفر برابر نیوکاسل روحیه گرفته است و در طرف مقابل بارسلونا با شکست خانگی برابر مالاگا پای به این دیدار می‌گذارد. منچستر سیتی که در فصل جاری پیگیری شیلیایی را بر روی نیمکت خود می‌بیند فصل خوبی را پشت سر می‌گذارد و از شانس‌های قهرمانی در لیگ برتر انگلیس به شمار می‌آید. هر چند آنها ۵ امتیاز با چلسی صدرنشین فاصله دارند.

شاگردان پیگرینی در حالی با ۵۵ امتیاز در رده دوم قرار دارند که این هفته اختلاف ۷ امتیازی با چلسی را به ۵ امتیاز کاهش دادند. همشهریها سیتی به دلیل محرومیت نمی‌تواند تیمش را همراهی کند. همچنین توماس فرمایلن نیز که از ابتدای فصل غایب بارسلونا بوده است در این دیدار نیز نمی‌تواند بازی کند.

کرزی:

اشتباهات زیادی را مرتکب شدیم دیگر بر نمی‌گردم!



آن را امضا کرد. حالا ماموریت «حمایت قاطع» شروع شده است. آیا این ماموریت درستی است و افغان‌ها از آن نفع می‌برند؟

کرزی: اگر آن‌ها نیروهای امنیتی افغان را آموزش دهند، از آن حمایت می‌کنیم. اگر آن‌ها به حمایت از نیروهای افغانستان به شمول تجهیزات و کمک‌های لوژستیکی ادامه دهند، من از آن حمایت می‌کنم؛ اما من از شمولیت نیروهای امریکایی و ناتو در عملیات علیه خانه‌های افغان‌ها به هیچ وجه حمایت نمی‌کنم. من از عملیات نیروی ویژه (امریکا) در افغانستان به هیچ صورت حمایت نمی‌کنم. من از این پشتیبانی می‌کنم که آن‌ها به نیروهای افغان آموزش و مشوره بدهند و تجهیزاتشان کنند. من از انجام عملیات نظامی توسط آن‌ها حمایت نمی‌کنم.

سوال: اما این گونه عملیات ادامه دارد، ندارد؟

کرزی: من با آن مخالفم.

سوال: شما چندین بار گفته اید که به ایالات متحده امریکا اعتماد ندارید. می‌شود شرح دهید که چه باعث این بی‌اعتمادی شد؟

کرزی: این یک داستان طولانی است. کاهش اعتماد از تلفات ملکی شروع شد، از زمانی که من به آن‌ها گفتم جنگ علیه تروریسم در قریه‌ها و خانه‌های افغان‌ها نیست، بلکه این جنگ باید در پناهگاه‌ها و محلات آموزشی، تسهیلاتی و سیستم‌های حمایتی آن‌ها باشد. همه این‌ها در خارج افغانستان، در پاکستان بودند.

حکومت ایالات متحده امریکا با من موافق بود اما با آن‌هم به حملات خود بر خانه‌ها و روستاهای افغانستان ادامه می‌داد. ممکن است شنیده باشید که رییس جمهور پیشین پاکستان چند روز قبل در مصاحبه با گاردین گفت که آن‌ها طالبان را آموزش داده اند تا حکومت افغانستان را تضعیف کنند. ایالات متحده امریکا از چنین چیزی خبر داشت و ما نیز این را به آن‌ها گفته بودیم.

بعد از ۲۰۱۳ در گفتگویی که با رییس جمهور اوباما داشتم، من داشتم می‌دیدم که آن‌ها در تلاش داشتن پایگاه در افغانستان هستند و در عین زمان کوشش می‌کنند به طریقی ما را در یک قرارداد فرعی با پاکستان قرار دهند. این آخرین تنشی بود که من بعد از آن قرارداد دوجانبه امنیتی را امضا نکردم.

سوال: وقتی نگرانی‌های تان را به امریکایی‌ها گفتید،

(کابل) آمده و این خبر را با خود آورده بود. این برای ما مهم است و ما به آن متعهد هستیم و مشتاقانه به این تحولات می‌بینیم.

سوال: شما زیاد تلاش کردید که گفتگوی صلح با طالبان را شروع کنید، اما نتیجه‌ای در پی نداشت. چرا فکر می‌کنید که عملکرد پاکستان این بار متفاوت است؟ کرزی: پروسه صلح در افغانستان به آن اندازه که مربوط به نیروها و نفوذ خارجی به ویژه ایالات متحده امریکا و پاکستان است، زیاد راجع به افغان‌ها نیست. ایالات متحده امریکا بعد از این که توافقنامه دوجانبه امنیتی امضا شد و در افغانستان صاحب پایگاه شد، اعلام کرد که طالبان دیگر دشمن اش نیستند. این مانعی در پروسه صلح بود که برداشته شد.

حالا پاکستان نیز وارد عمل شده است و ما باید دریابیم که چرا حالا اقدام کرده است. ما از پروسه صلح حمایت می‌کنیم چه واقعی باشد یا نه. در این مرحله ما فقط مشتاق آنیم که طالبان با افغان‌ها روی میز مذاکره بنشینند.

سوال: شما از امضای توافقنامه دوجانبه امنیتی با ایالات متحده امریکا خودداری کردید و رییس جمهور غنی

رییس جمهور پیشین افغانستان در مصاحبه‌یی با خبرنگاری آلمانی «دی پی ای» و شبکه اول تلویزیون آلمان (ای آر دی) در مورد دلایل بی‌اعتمادی‌اش به ایالات متحده امریکا صحبت کرده و گفته است که قصد بازگشت به ریاست جمهوری را ندارد.

سوال: سال گذشته زمانی که در دهلی جدید بودید، گفتید که در انتظار زمان بازنشستگی هستید. حالا چطور است دوران بازنشستگی؟

کرزی: بسیار زیاد خوشحالم. خود را مصروف نگه می‌دارم. افغان‌ها و دوستان زیادی از من بازدید می‌کنند. مردم خیلی مراقب من هستند، خیلی خوب.

سوال: یک روز عادی تان چطور می‌گذرد؟

کرزی: خوب، من از صبح تا ساعت سه خیلی مصروفم. از ساعت سه و نیم تا هفت تفریح می‌کنم. بعد از آن به صورت غیررسمی با دوستانم وقت می‌گذرانم و غذای شب را صرف می‌کنم.

سوال: آیا فکر می‌کنید که پروسه صلح نتیجه بدهد؟ کرزی: من خیلی در انتظار شروع گفتگوهای صلح هستم، شرایط این گفتگوهای صلح هرچه باشد... می‌دانم که چند روز قبل لوی درستیز پاکستان اینجا

آن‌ها چه گفتند؟

کرزی: آن‌ها موافقت کردند، اما به ما اصرار می‌کردند که خاموش باشید و این مساله برای ما دشوارتر گردید. آن‌ها اعتراف کردند که قضیه همین است؛ اما آن‌ها تلاش می‌کردند ما را نوازش داده و به سکوت وادار کنند که بیشتر مشکل‌ساز بود و باعث شد که من علیه آن صحبت کنم و به آن‌ها بی‌اعتماد شوم.

سوال: تا چه اندازه حکومت افغانستان در ۱۳ سال گذشته دچار اشتباه شده بود؟

کرزی: ما مطمینا که اشتباهاتی داشتیم. ما اشتباهات زیادی را مرتکب شدیم. آدم وقتی کار می‌کند ناگزیر اشتباه هم می‌کند. اما این اشتباهات مربوط به حکومت‌داری، پیشرفت یا نهادها و مسایل روزمره بود. در عرصه منافع استراتژیک مانند مبارزه با تروریسم و افراط گرایی، افغان‌ها به شدت کار کردند و حاضر بودند جان شان را قربانی کنند که چنین نیز کردند.

سوال: در مساله مبارزه فساد، فکر می‌کنید که باید کار بیشتری می‌کردید؟

کرزی: یک تبلیغات منفی وجود داشت. وقتی که من به مخالفت با رفتار امریکایی‌ها در افغانستان شروع کردم، آن‌ها تلاش کردند من و حکومت من را به نام فساد ضعیف کنند؛ فساد که آن‌ها خود شان گسترش داده بودند. میلیاردها دالر قراردادها در دستان ما نه بلکه در دستان امریکایی‌ها بود. این قراردادها را آن‌ها صادر می‌کردند. در ۱۳ سال گذشته هیچ قراردادی حتی به ارزش ۱۰۰ دالر هم به امضای من نرسیده است. بنابراین، این‌ها همه کار خود شان بود.

سوال: پیشیمانی و افسوس وجود دارد؟

کرزی: پیشیمانی وجود دارد. به گونه مثال، ما وقتی قانون اساسی را می‌ساختیم باید بیشتر ملاحظه شرایط افغانستان را می‌کردیم. ما نباید اجازه می‌دادیم که رییس استخبارات (امنیت ملی) ما از سوی پارلمان برکنار (سلب صلاحیت) شود. اقتصاد کاملاً آزاد بازار به هیچ صورت مناسب افغانستان نیست. ما باید نسبت به سیستم امریکایی - بریتانی، نظامی بیشتر شبیه به آلمان یا دنمارک را انتخاب می‌کردیم. ما باید بر بازار آزاد کمی کنترل می‌داشتیم.

سوال: بسیاری مردم از حکومت جدید ناامیدند و برخی آن‌ها امروز به ما گفتند که خواستار برگشت دوباره شما به ریاست جمهوری اند. چنین امکانی وجود دارد؟

کرزی: نه، برگشت من به ریاست جمهوری اشتباه من و مردم افغانستان خواهد بود. من دوره خود را به سر رساندم. نسل جدید افغان‌ها باید پا پیش بگذارند و من خود را عقب می‌کشم.

سوال: اما شما ۵۷ ساله و کاملاً با انرژی هستید!

کرزی: بلی، اما من می‌توانم انرژی خود را در دیگر عرصه‌ها به مصرف برسانم. من از انرژی خود برای مشوره دهی، تقویت تعلیم و تربیه، تقویت فعالیت‌های فرهنگی و کارهای در توان خود به نفع افغانستان استفاده می‌کنم. ما باید به جلو گام بگذاریم و در تاریخ گیر نماییم. من تاریخم.

Mandegar

هزینه های تبلیغات شما در روزنامه ماندگار

ماندگار

شماره	موقعیت اعلان در روزنامه	اندازه	از 1 الی 30 روز	از 31 الی 80 روز 20% تخفیف	برای 180 روز 40% تخفیف
1	قسمت بالای صفحه کنار لوگو	14/4 cm	\$ 60	\$ 48	\$ 36
2	نصف پائین صفحه اول	16/25 cm	\$ 250	\$ 200	\$ 150
3	بنر در صفحه اول یا اخیر	3/25 cm	\$ 70	\$ 56	\$ 42
4	مکمل صفحه داخلی	36/25 cm	\$ 350	\$ 280	\$ 210
5	قسمت بالای صفحه اخیر	12/6 cm	\$ 100	\$ 80	\$ 60
6	نصف پائین صفحه اخیر	16/25 cm	\$ 250	\$ 200	\$ 150
7	در قسمت بالای وب سایت		برای 7 روز \$ 400	برای 14 روز \$ 600	برای 30 روز \$ 1200